



جلد اول سرمایه

کارل مارکس - فردریش انگلس

شورای دانشجویان و جوانان چاپ ایران



سرمايه

(به زبان ساده)

کارل مارکس فردریش انگلس

ترجمه‌ای از:

zoku sihon- ron

تصویرگر: Variety Art Works

تدوین و تنظیم:

ayaho Usada

تهیه شده توسط انتشارات: East Press

چاپ اول / توکیو / ۲۰۰۹

برگردان: اولدوز درخشان

ویرایش نخست: عباس شاد، پژمان رحیمی

امور فنی و اجرایی:

سارا کوشش، ندا شایان،

آزادپاکباز، جاویدجویان

انتشارات

شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران

سرمایه قهرمانان



روبین

با همکاری دانیل قرار است آرزوی تاسیس یک کارخانه ی بزرگ را برآورده کند، اما از این که برای کسب سود کارگران را در شرایط سخت قرار می دهد و استثمارشان می کند همواره احساس عذاب وجدان دارد



هاینریش

پدر روبین، بیشترین چیزی که بدان اهمیت می دهد زندگی شرافتمندانه در کنار دوستان است



کارل

کارگر کارخانه. همواره مخالف شرایط سخت کاری است که از سوی سرمایه دار برنامه ریزی می شود



هلین

دوست دوران کودکی روبین. به خاطر کمک به خانواده اش کار می کند



دانیل

سرمایه‌گذار. از نام‌های خوش آتیه دنیای تجارت.
با خونسردی پیش می‌رود و انسان‌ها را چون پیازگان
شطرنج می‌پندارد.



آنا

دختر بانک‌دار بزرگ. عشق افلاطونی روبین



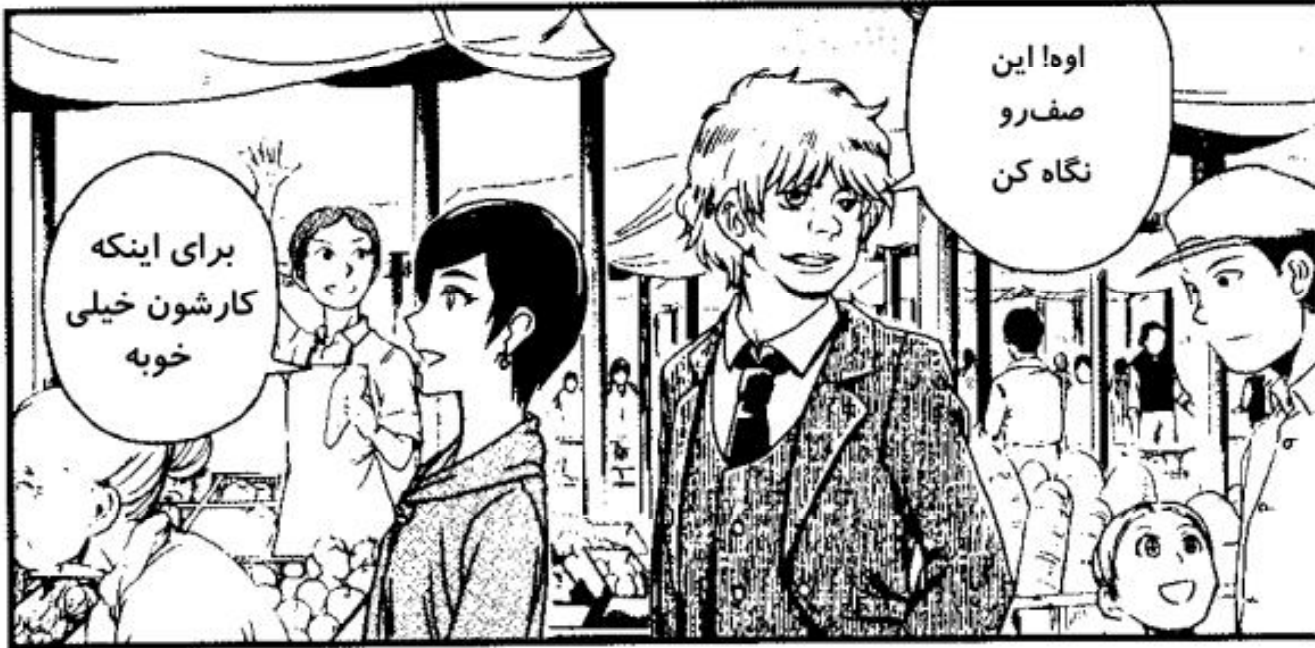
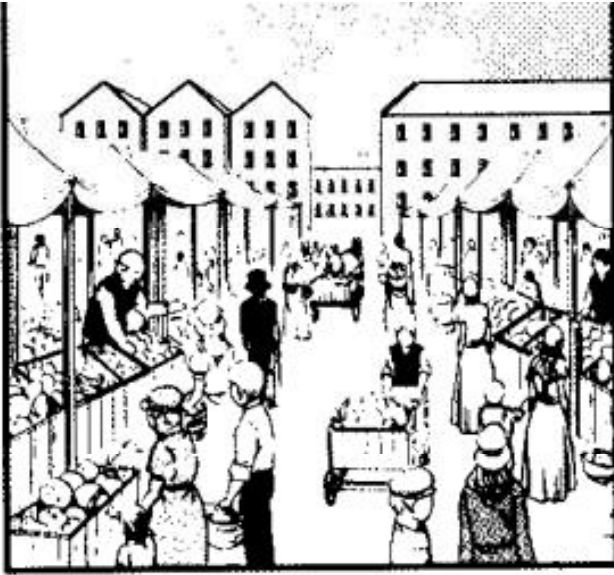
کاهایا

کارگران را با روشی خشن کنترل می‌کند

در سیستم سرمایه‌داری ثروت اجتماعی به شکل
"انبوه عظیمی از کالا" دیده می‌شود

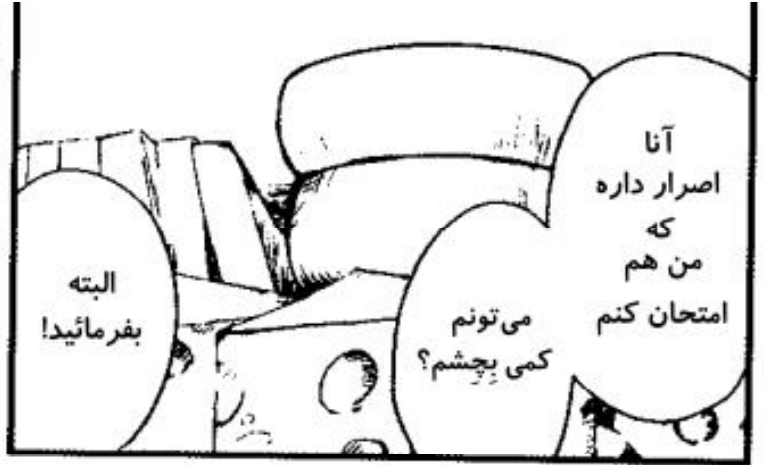
سرمایه‌داری











البته
بفرمائید!

می‌تونم
کمی بچشم؟

آنا
اصرار داره
که
من هم
امتحان کنم



پنیر پُرچرب
از شیر گاو،
گاو هم
نگه می‌دارید؟

اینم
امتحان کن
خوبه

هوم...!
پنیر از شیر
تازه‌ی گوسفند
نمکش هم
خیلی خوبه



سلاح
سرمایه‌گذار
وسعت
اطلاعاتشه



بله،
هم گاو
و هم
گوسفند

دانیل
معلومه
از پنیر
سررشته
دارید









گوسفند و گاوها...
بنابراین
پنیر و شیر،
پشم گوسفند و
گوشتِ گاو و گوسفند

محشره



آره، منم
حتما
می خوام
بینم

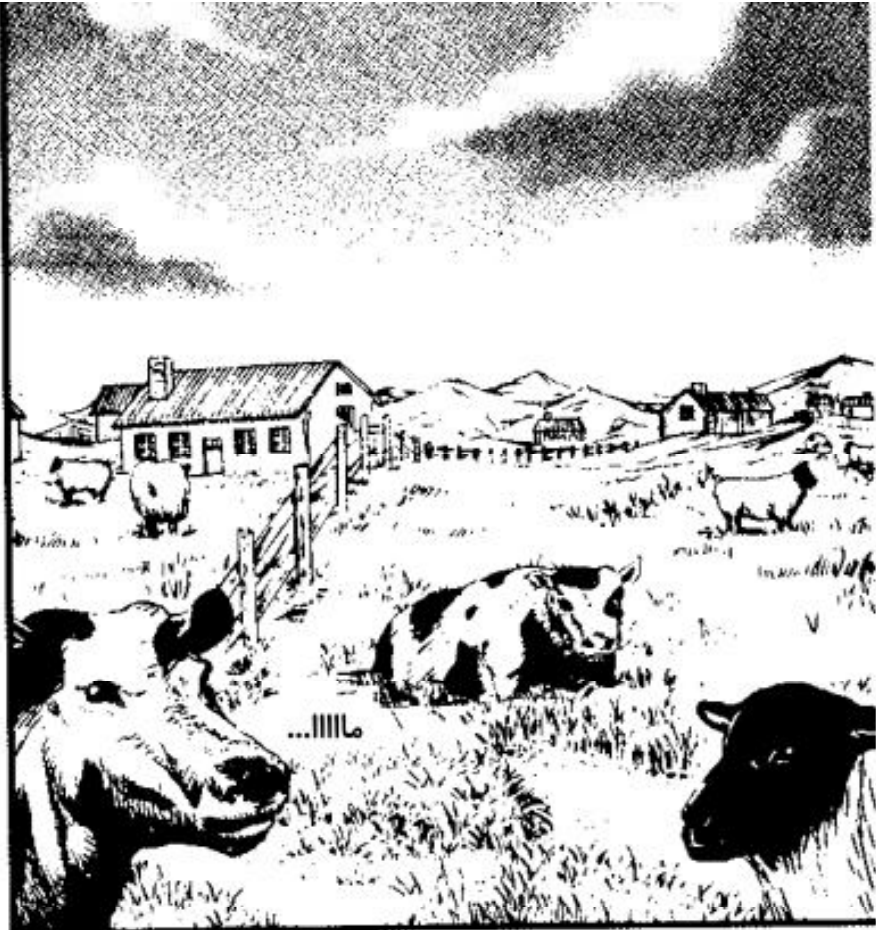
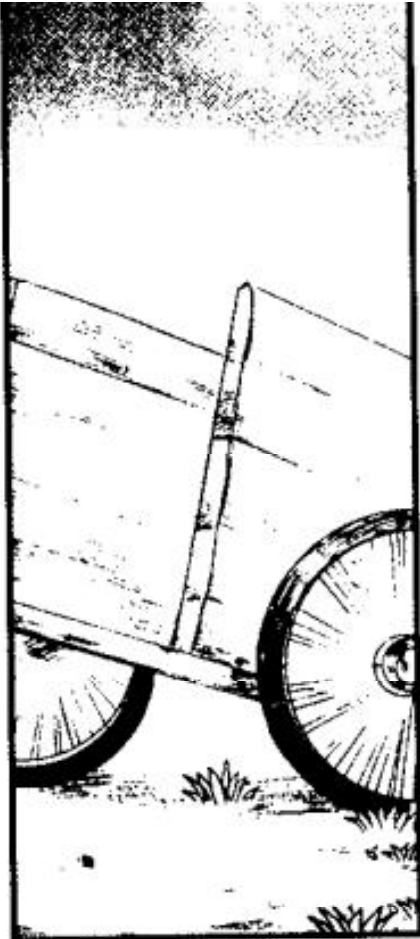


روبین
می خواستم اگر
ممکن باشه محل
کارتون رو هم
بینم

چی؟



هوم...





به پنیرا
مایه
بزنی

دیگه باید
گوسفند و گاوها
رو بیشتر
کنیم و...

بین بابا،
مال زیاد که
ضرری نداره



عصر بخیر
می خواستم
پنیر بگیرم
اگر ممکنه



من...





نیروی کار: نیروی کار کارگر که قابلیت مصرف دارد در شیوهی تولید سرمایه‌داری، مزد نسبت به کار کارگر پرداخت نمی‌شود بلکه نسبت به مصرف نیروی ذهنی یا بدنی یک فرد در مدت معینی تعیین می‌گردد.



پول نتیجه‌ی
کار و زحمت
انسانه

کار!



سکه و اسکناس
تجسم این
کار و زحمت
به شکل
کاغذ و آهنه

چیزی که
بهبش
می‌گیریم پول



زمان و زحمتی
که اون
مادر برای
گوجه‌فرنگی‌هاش
صرف کرده

و زمان و کاری
که ما
برای پنیرهامون
صرف می‌کنیم



غیر از گوجه‌فرنگی
نیازهای
دیگه‌ای هم داریم،
مگه نه؟

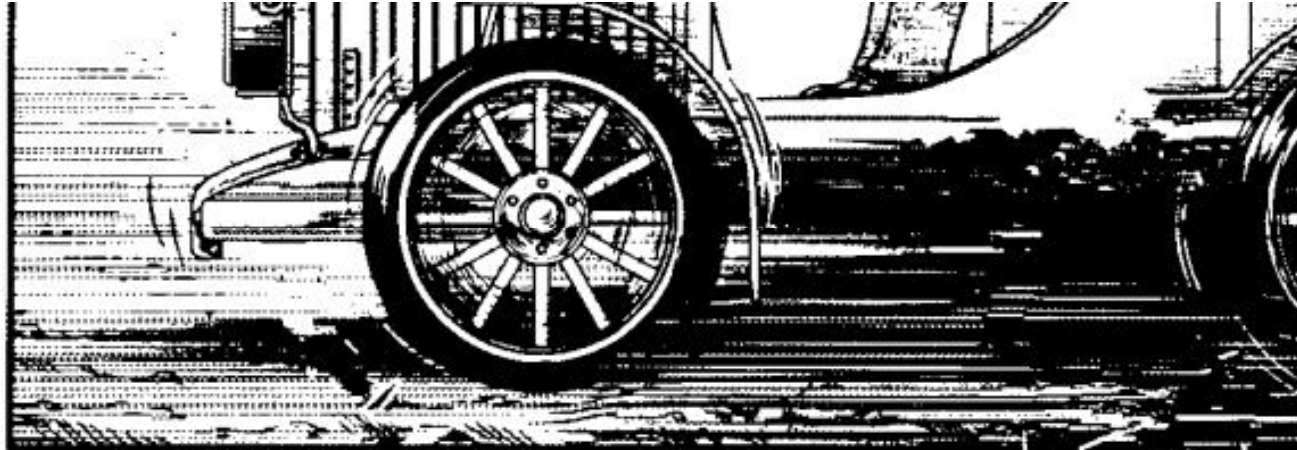


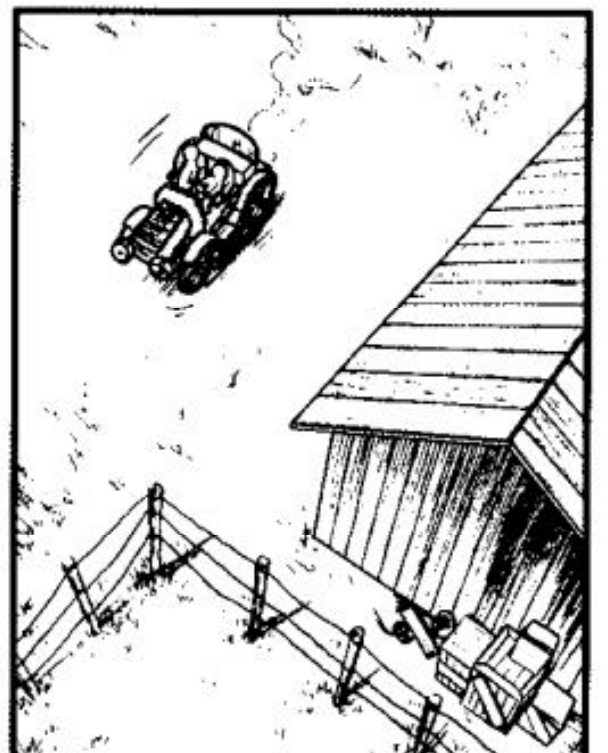
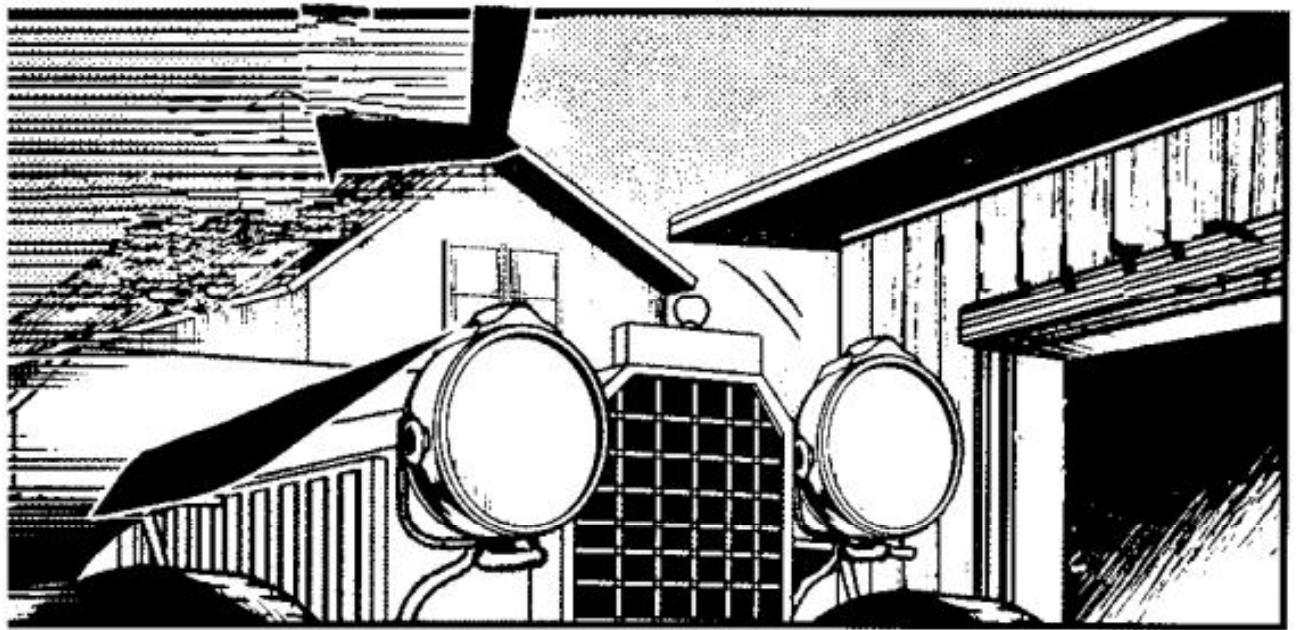
اوووو

از شنیدن
این حرفا
خسته شدم.













پدرم
هاینریش



پدر! دوستانی که
قبلا از شون حرف زدم
برای دیدن محل
کارمون اومدن



بابا...



کسی که این جا
کاری نداره
نمی تونه
وارد بشه!

خوشبختم...



اوهوم...



پس اون
پنیرای
فوق العاده رو
این جا
درست می کنید



اووووو...



.....



پدر، ایشون
آنا هستند

توی بازار
فقط از
پنیرای ما
می خره



بله،
زندگی توی آلمان
کمی سخت
شده بود

شما واقعا
اهل
آلمان هستید؟



این جا و اون جا
بالاخره
یاد گرفتم



تکنیک تولید
پنیر رو
کجا
یاد گرفتید؟



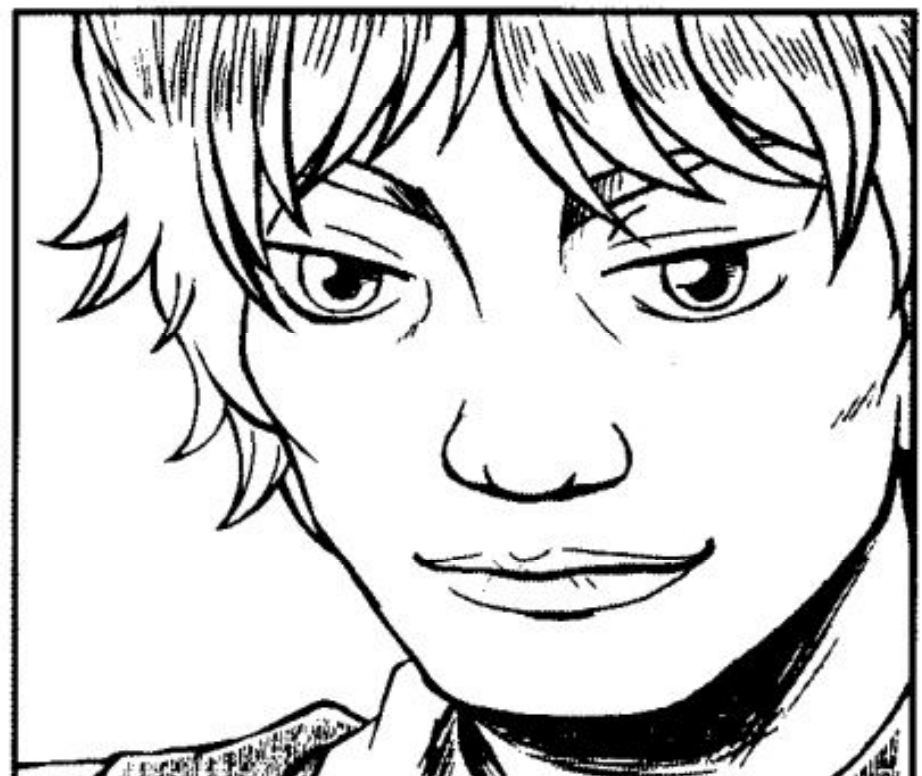
فکر کنم فقط
به خاطر
گردش نیومدی

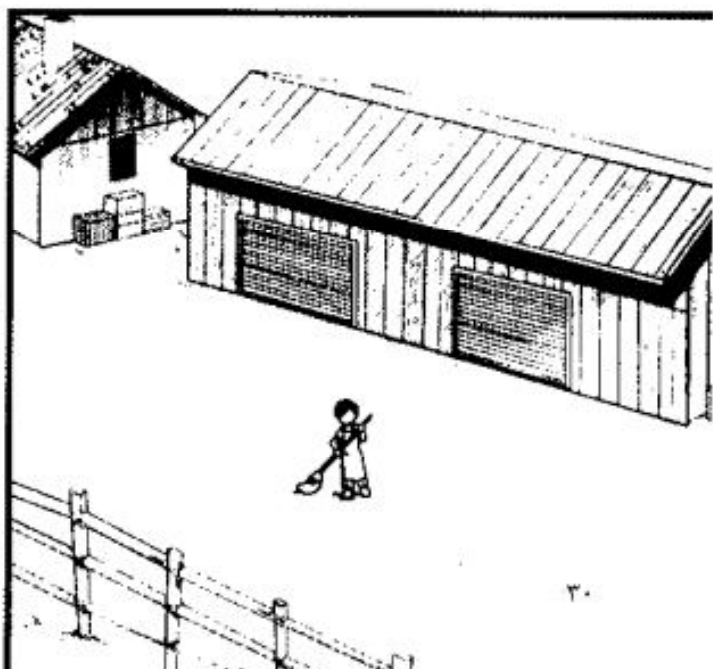


.....



؟













آره!
دانیل

پیشنهاد
راه انداختن
یک
کارخونه‌ی
پنیر رو
بهم داد



بزرگ‌تر
از این؟



کارخونه که
دارید؟

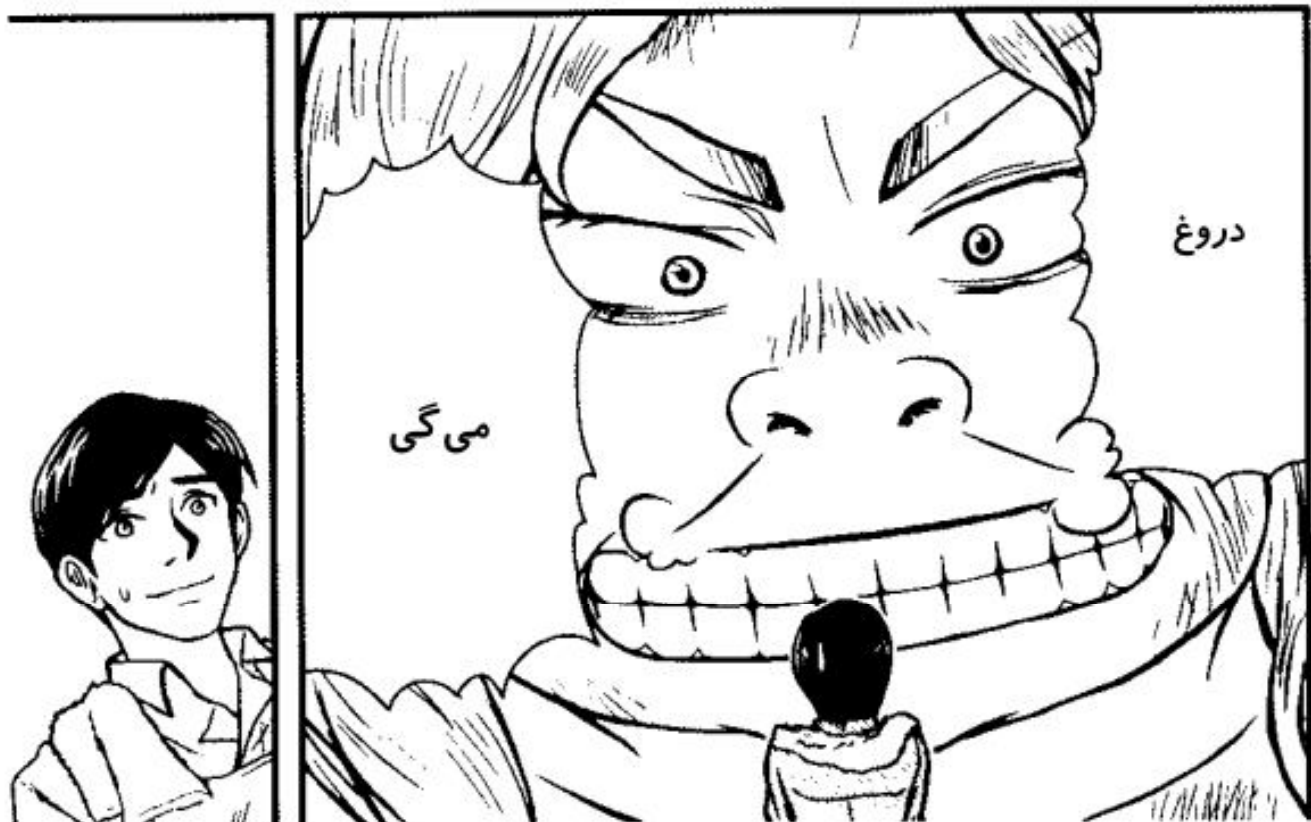
نه، خیلی
بزرگ‌تر
از این!

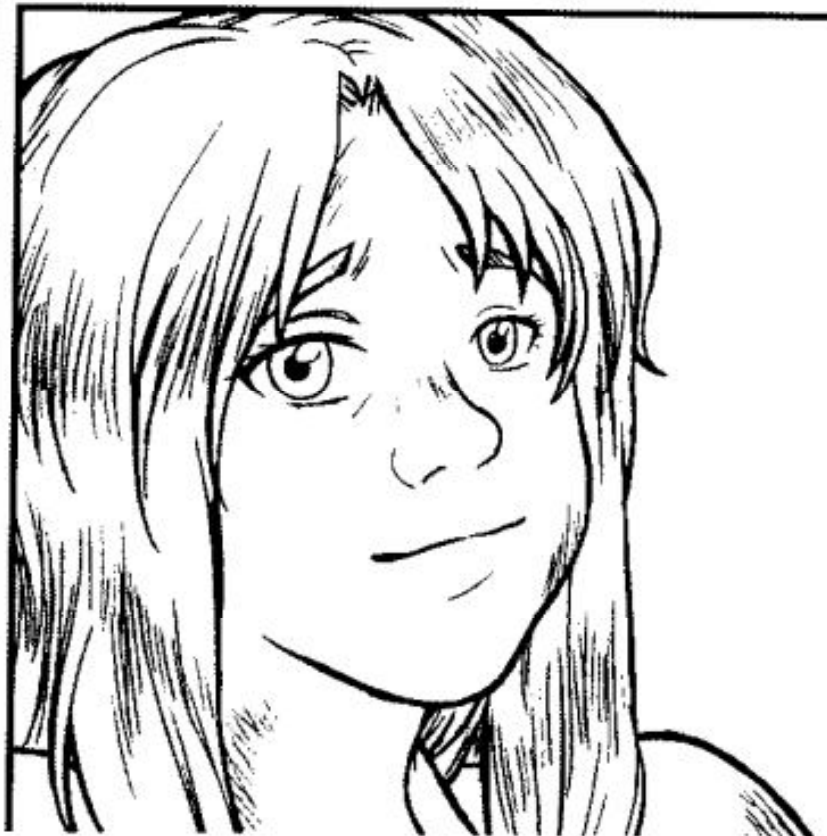


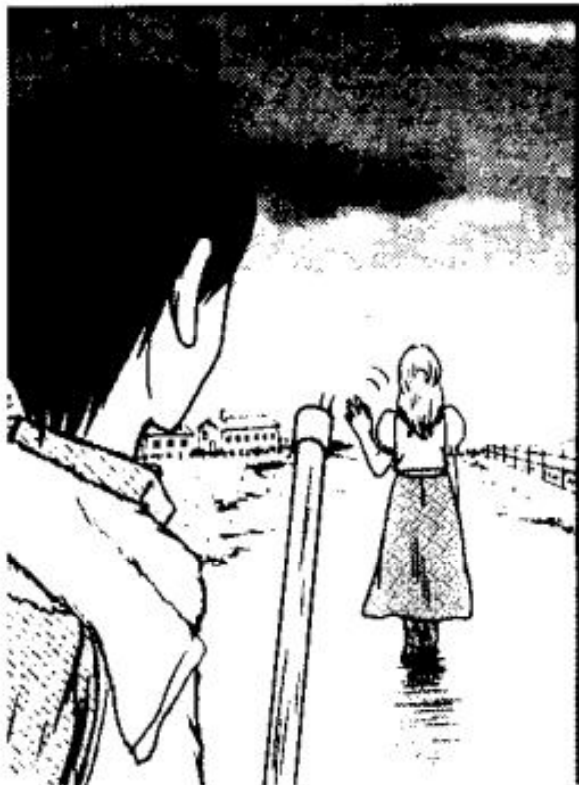
آره

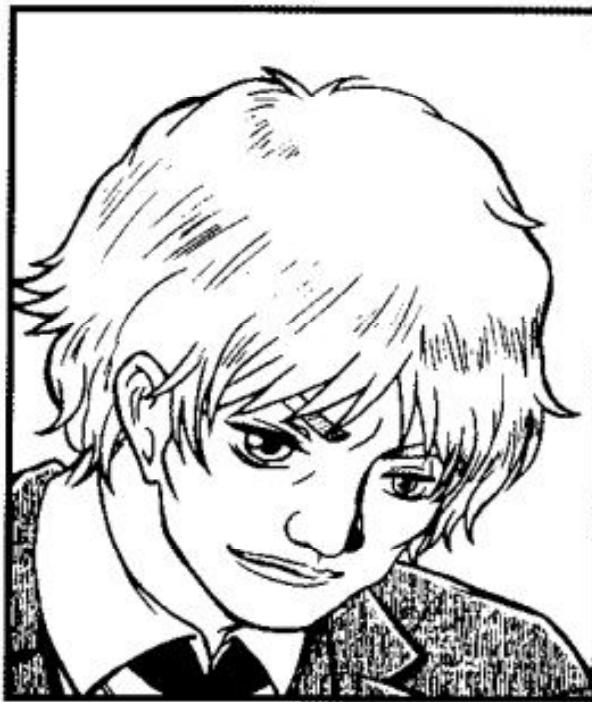
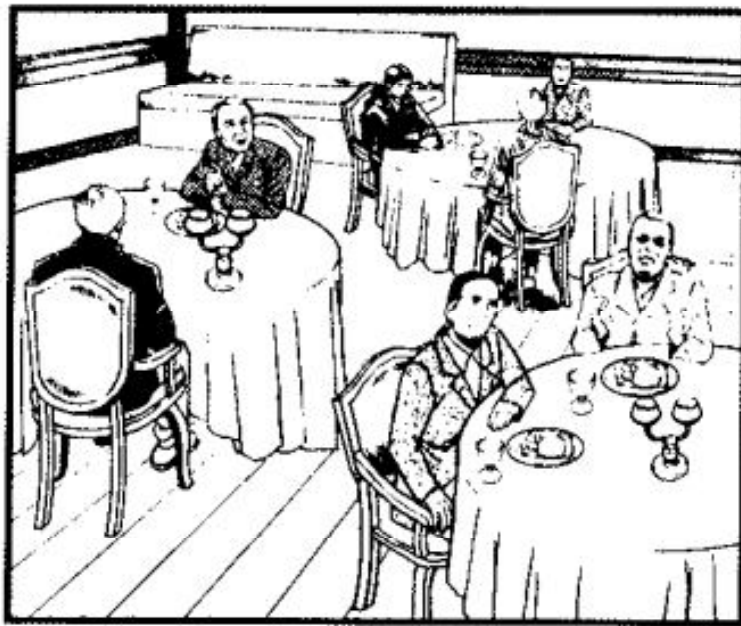
با کلی
کارگر و
ماشین‌های
بزرگ

کارخونه‌ای که
در مدت کم
تولید زیادی
داشته باشه





















یعنی
این قدر
بزرگه؟؟!!



دیگه
رسیدیم

پس
این طور

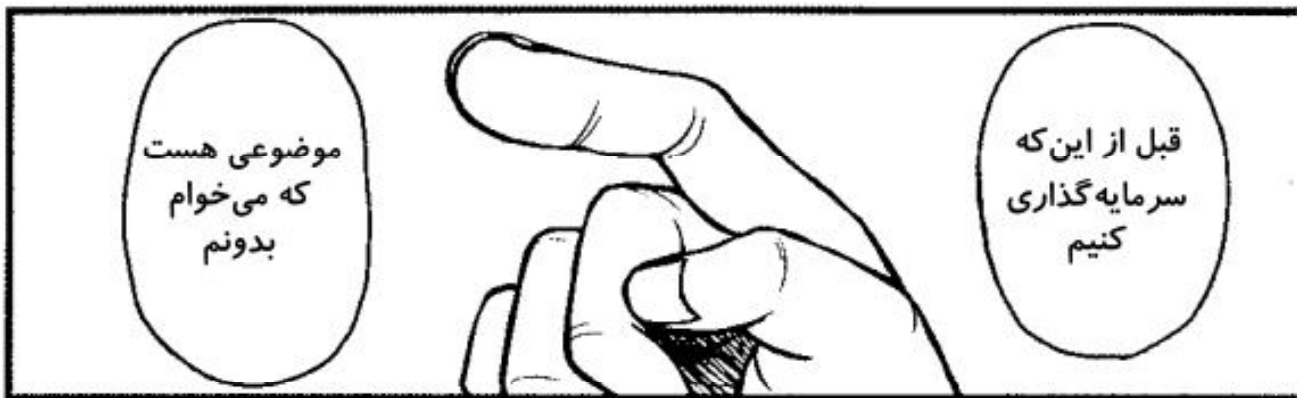


کارخونه
همین جاست



نه،
کناریش







می خوام
ثروت مند بشم





امیدوارم که فکر نکنی
بنگاه خیریه زدیم؟!



اگر
ورشکست
بشی

لازم که تضمینی برای
پس گرفتن پولم از تو
داشته باشم



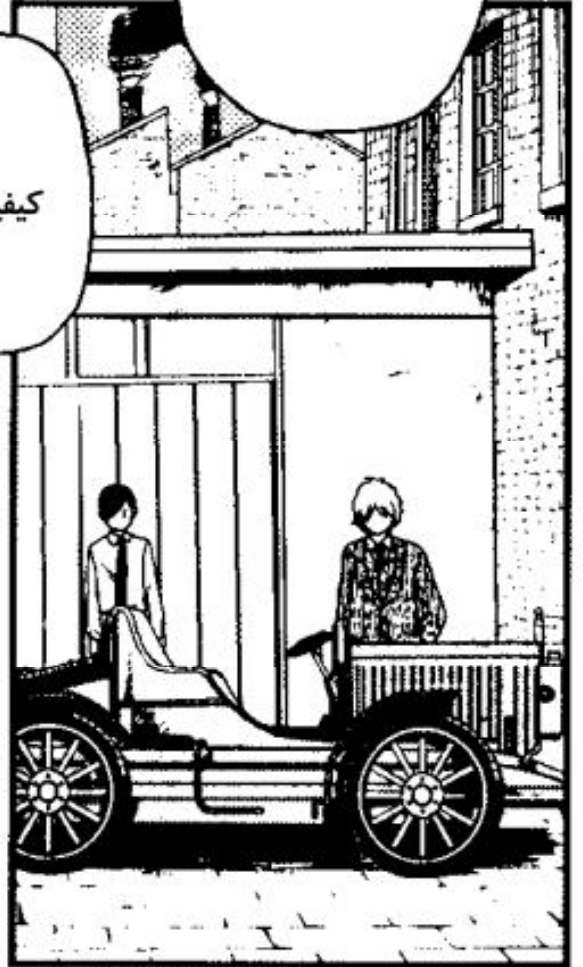
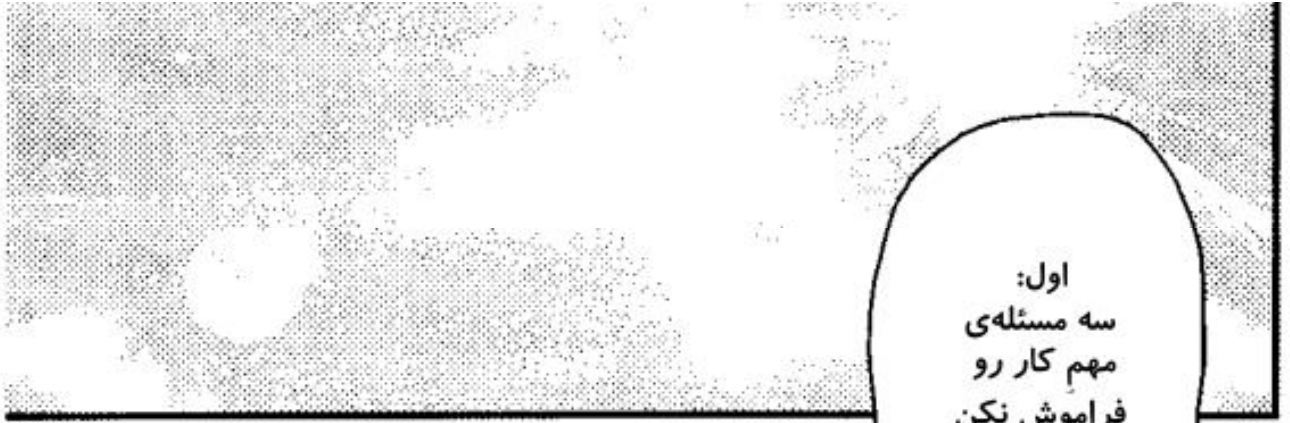


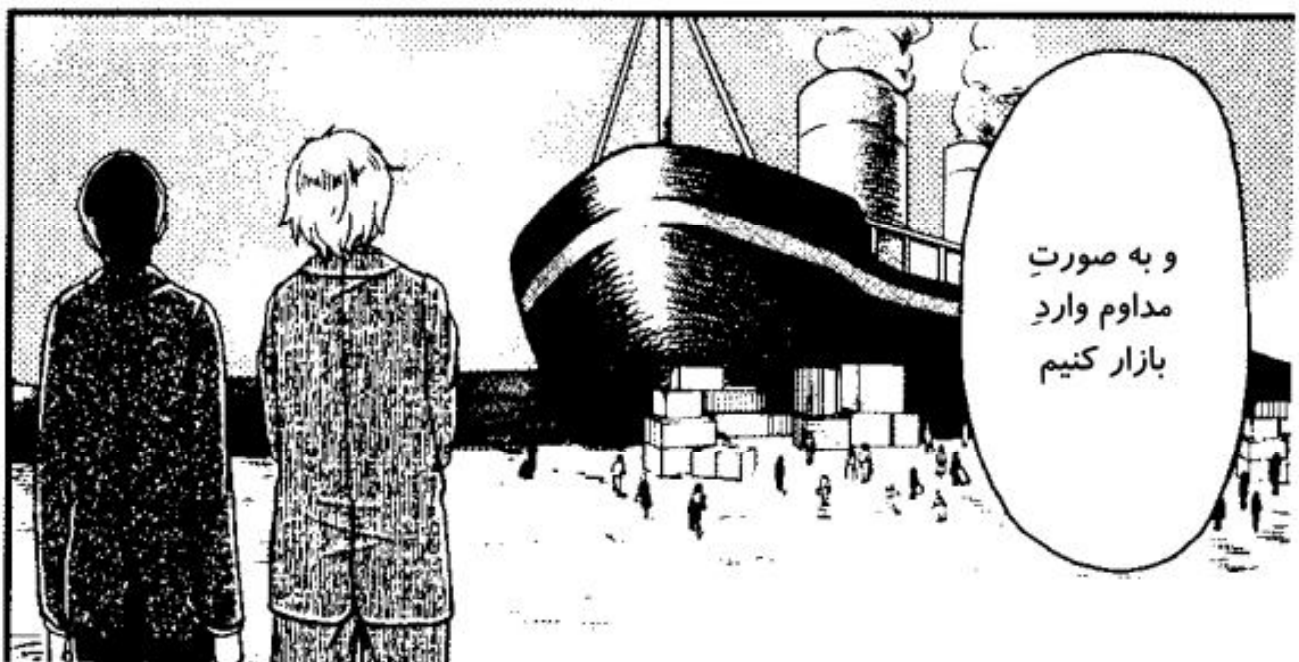
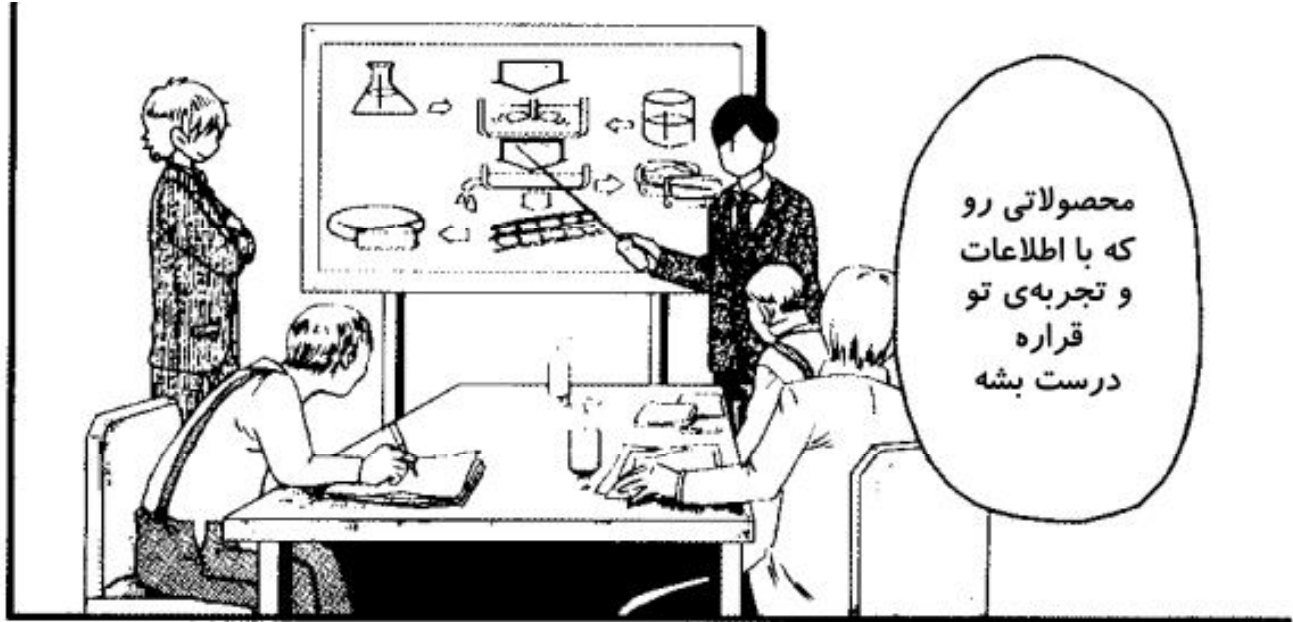
اول:
سه مسئله‌ی
مهم کار رو
فراموش نکن

کیفیت

قیمت

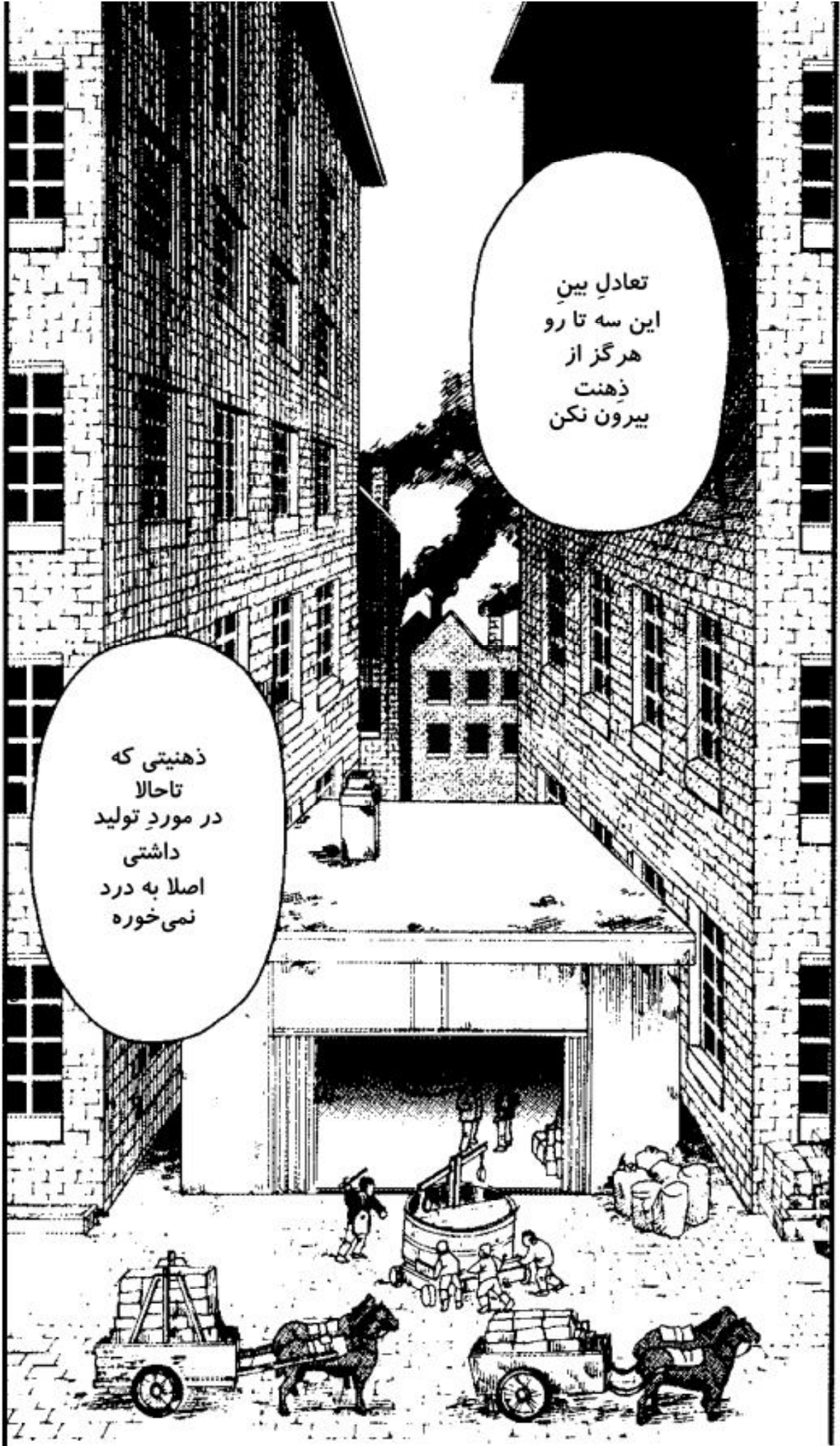
پخش

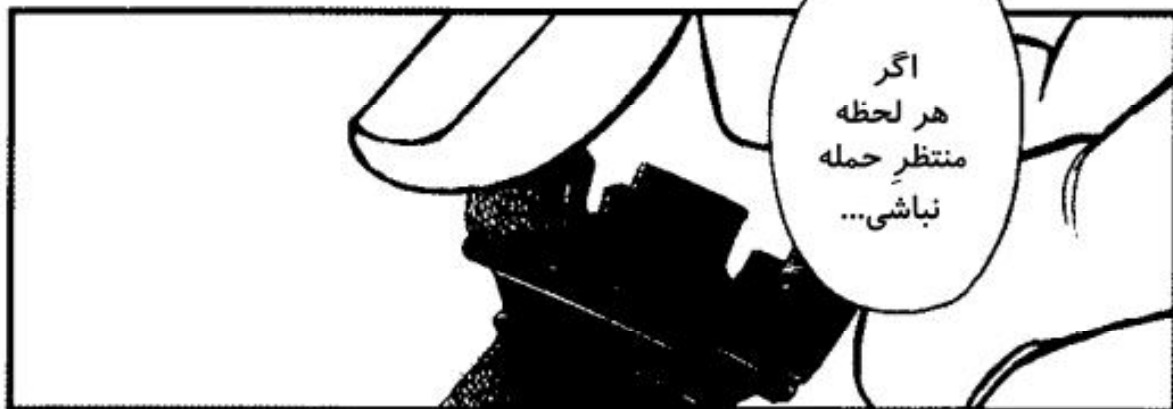




تعدادِ بین
این سه تا رو
هرگز از
ذهنت
بیرون نکن

ذهنیتی که
تاحالا
در مورد تولید
داشته
اصلا به درد
نمی خوره







دنیای کار
هم
همین طوره

با نگاه
بلند مدت و
فرصت طلبانه

تاکتیک
آچمز کردنِ حریف
با تصمیم گیری درست و
به موقع



هووم...



حالا که
حرفش شد...

تو برای من
شوالیهی
اسب سواری
هستی که
قراره برنده
پشه



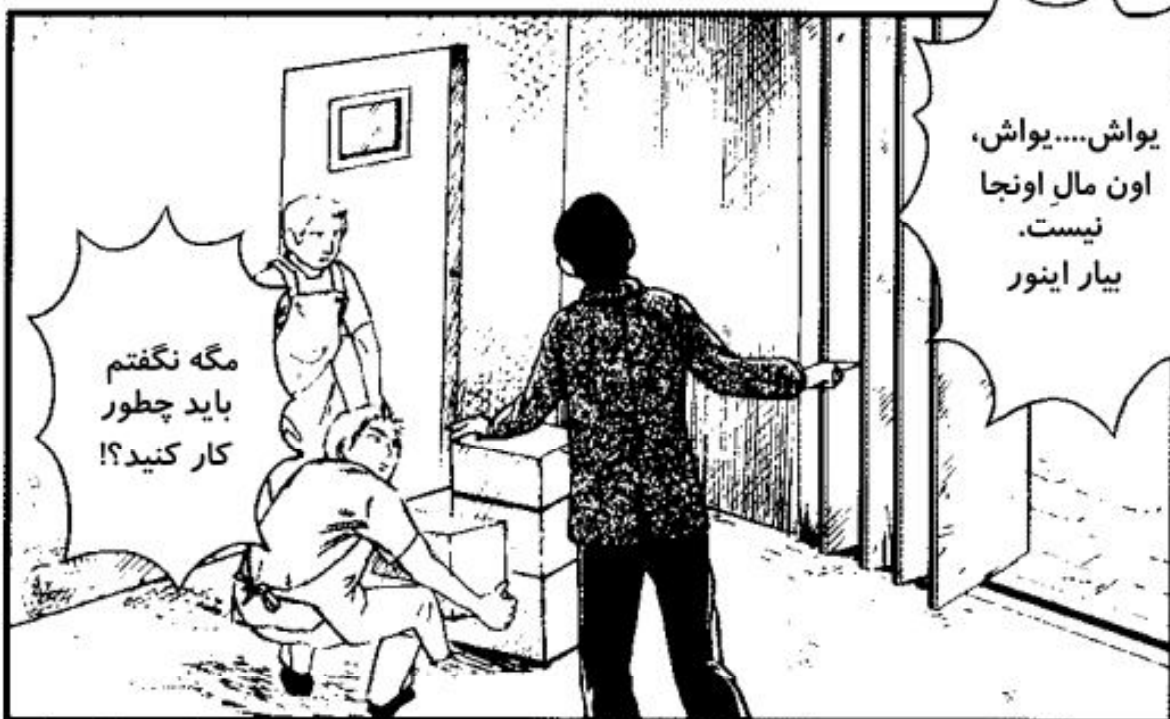
استثمار

سه ماهه دارید
کار می کنید
چرا هنوز این قدر
کُند کار می کنید؟

تازه دارید
یک کار رو
سه نفره
انجام می دید



خیلی
با استعداد
نیستیم



یواش... یواش،
اون مال اونجا
نیست.
بیار اینور

مگه نگفتم
باید چطور
کار کنید؟!











کار کنید!



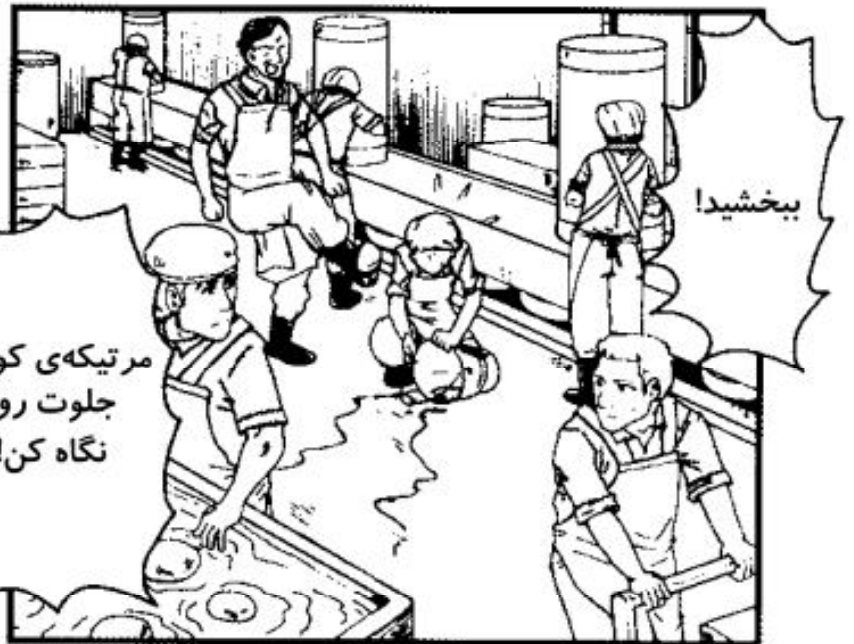
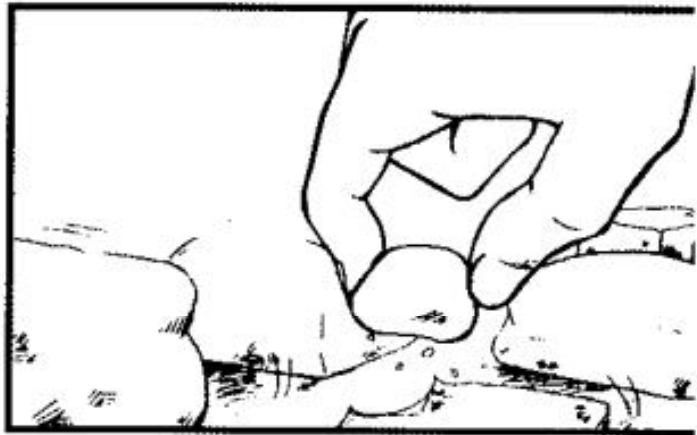
حاضر جوابی
نکنین!



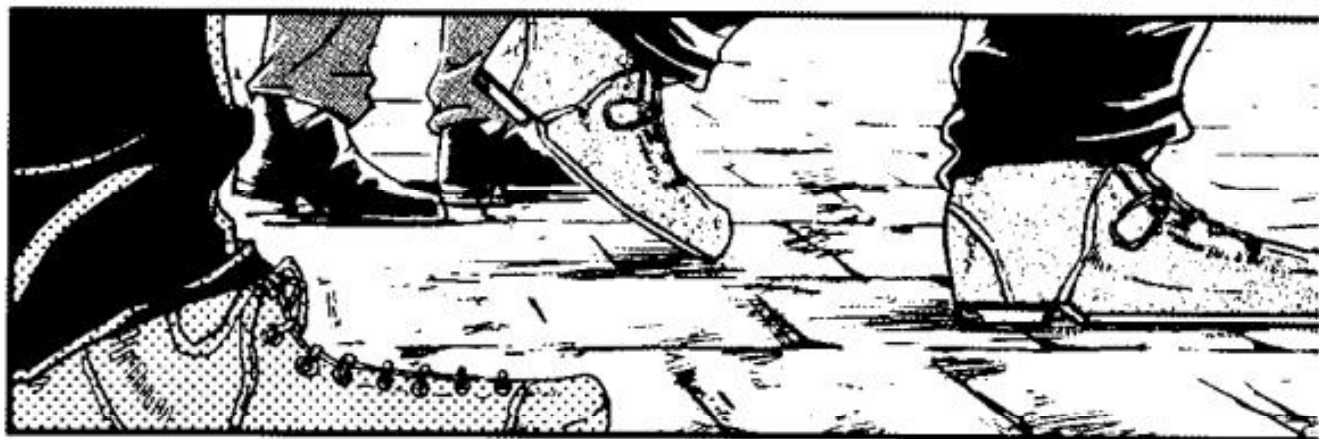
اگه می خواین
پول در بیارین
باید کار کنین!



.....











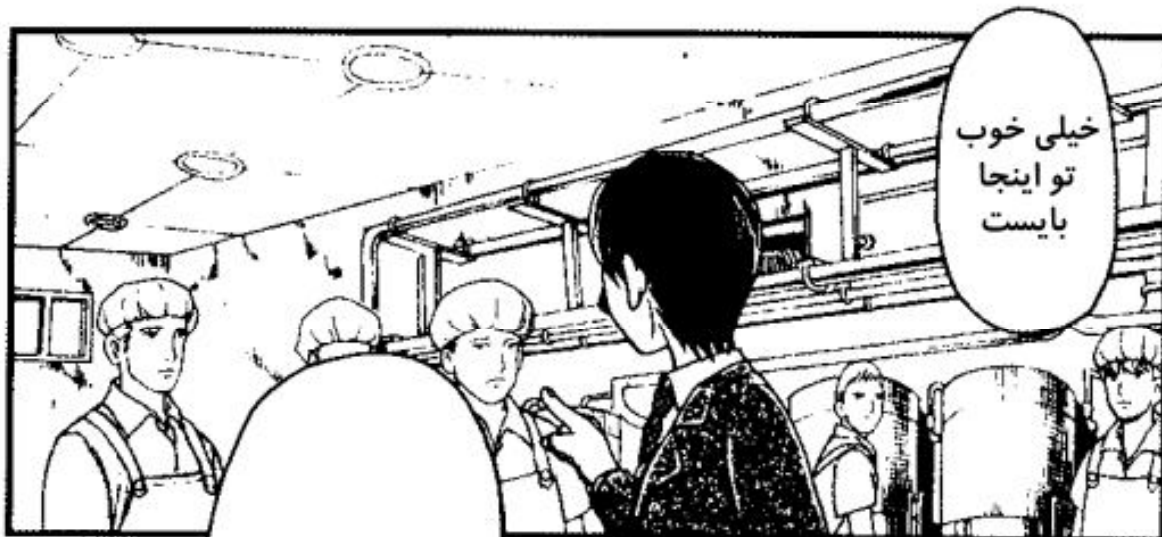


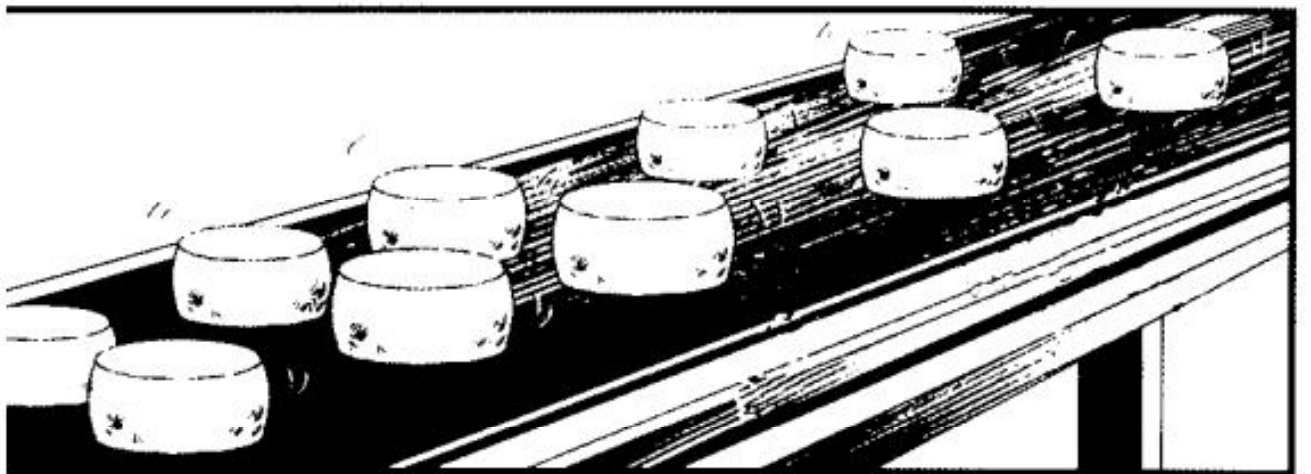
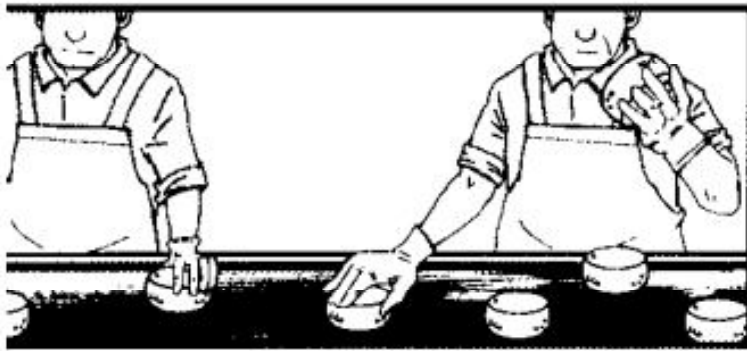


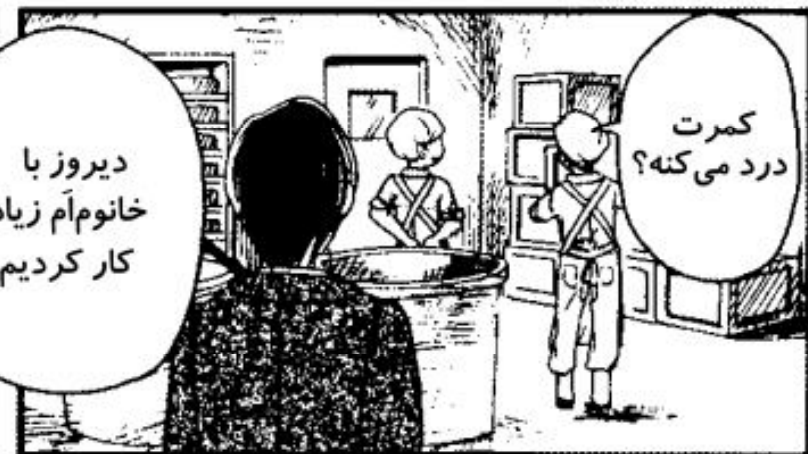


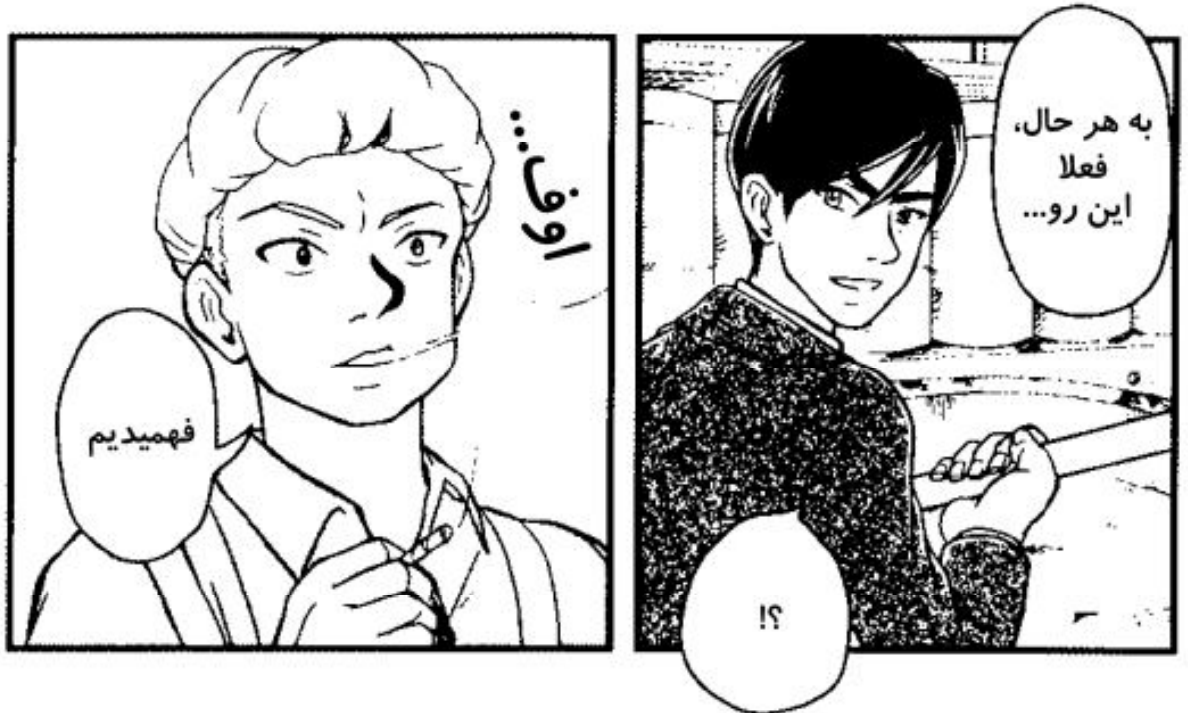






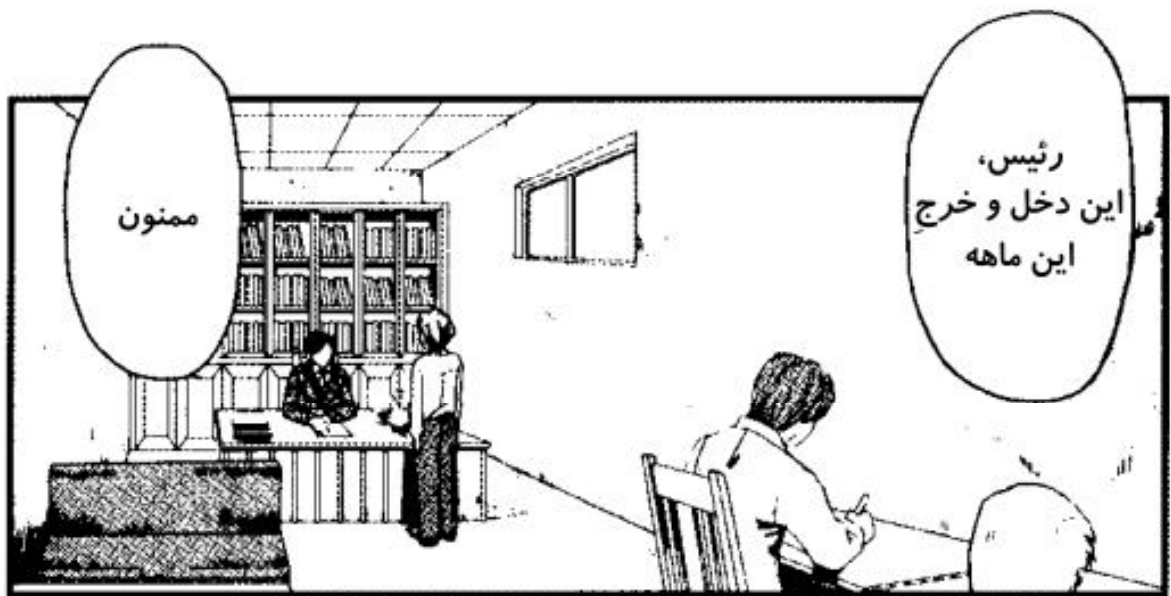














هووم

وقتی برداشت
خوب نباشه،
بلافاصله مواد غذایی
گرون می شه



ب...
به



با این حساب
ضرر می کنیم

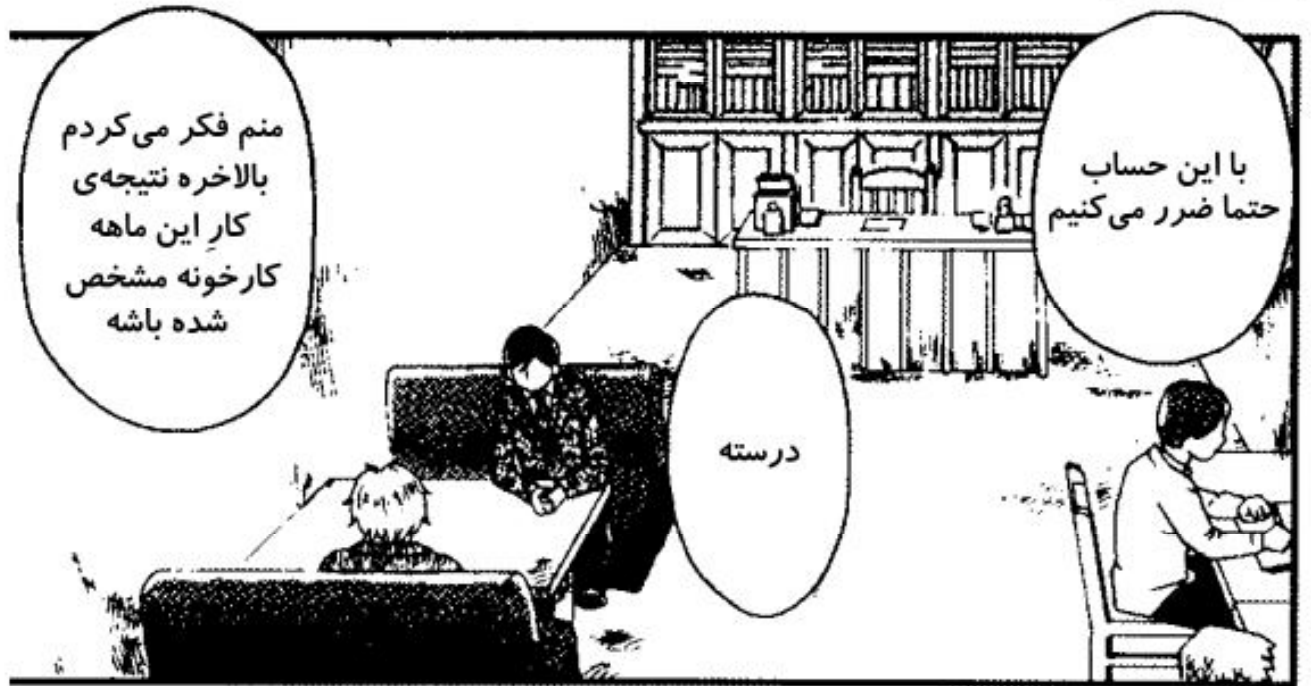


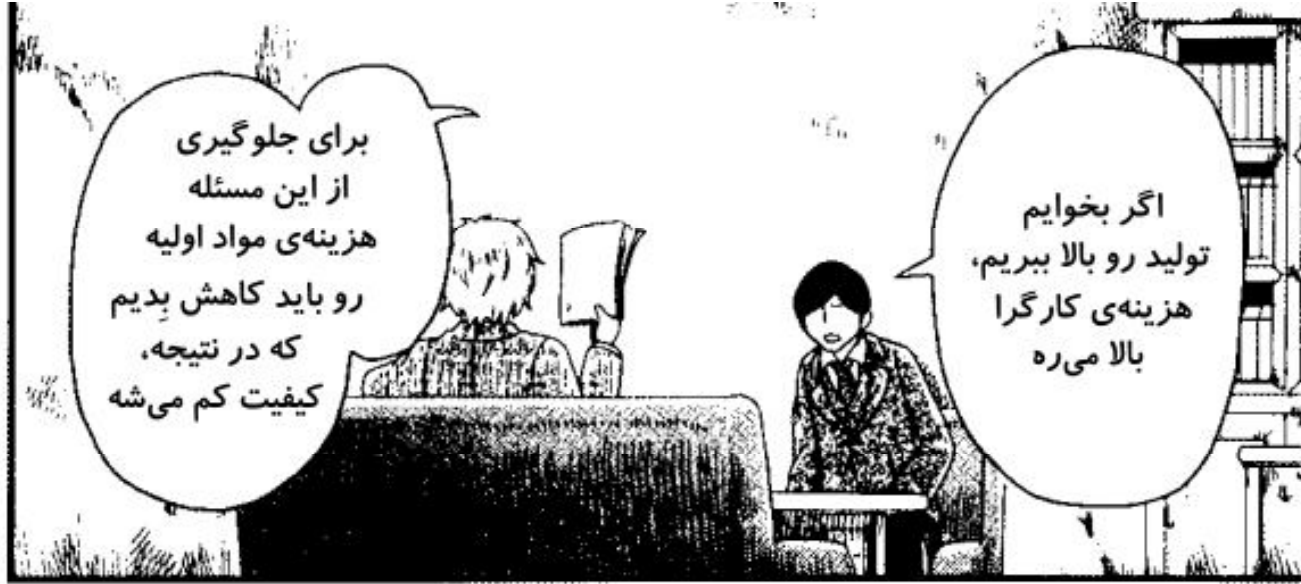
قیت...
بفرمائید،
بفرمائید



باید از جایی
جبران کنم...







برای جلوگیری
از این مسئله
هزینه‌ی مواد اولیه
رو باید کاهش بدیم
که در نتیجه،
کیفیت کم می‌شه

اگر بخوایم
تولید رو بالا ببریم،
هزینه‌ی کارگرا
بالا می‌ره



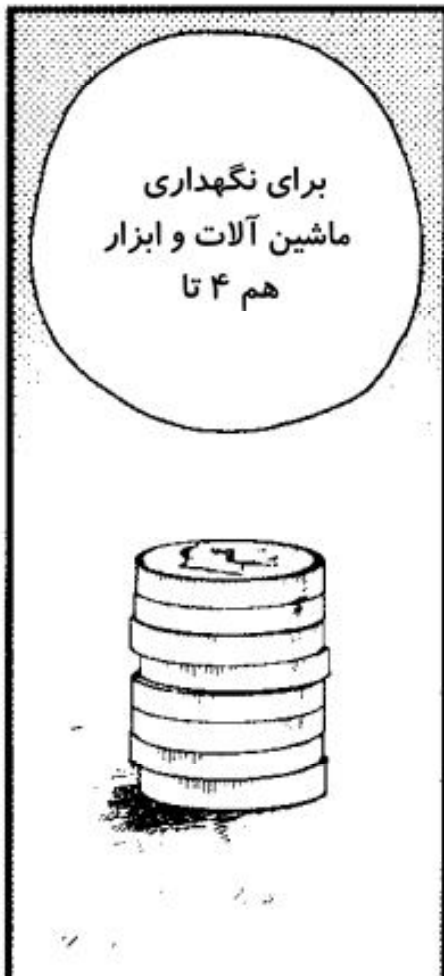
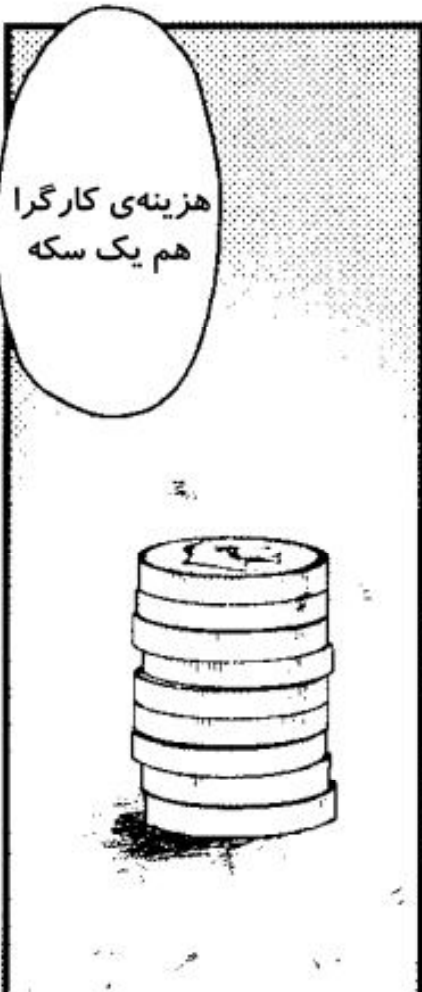
رویین،
اصلا از مواد اولیه
مایه نذار



با معروف شدن
اسم پنیرمون،
باید وارد مرحله‌ی
بعدی بشیم

الان توی مهم‌ترین
مرحله‌ی کاریم









کالایی به اسم
"نیروی کار"
رو می‌خریم

...ما از کارگرا



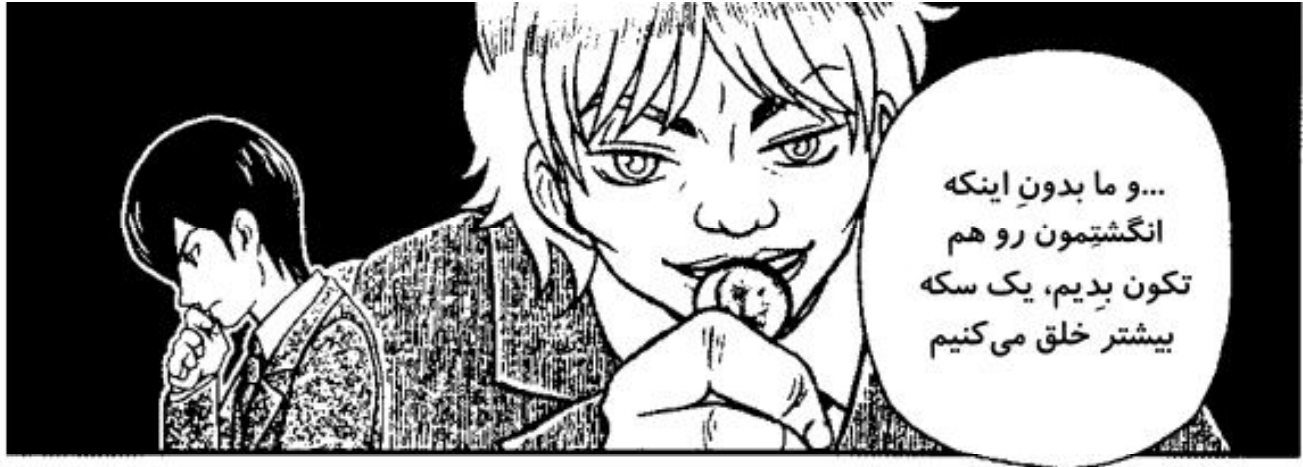
قیمتی که ما می‌خوایم
برای نیروی کارشون
پردازیم (مزد)
به اندازه‌ای است که
کارگرا بتونن
سَرِپا بمونن

ارزش واقعی این
"کالا" به نسبت این که
چطور از اون
استفاده کنی،
تغییر می‌کنه



یعنی کارگرا برای
گرفتن یک سکه باید
به اندازه‌ی دو سکه
کار کنن.
به این شکل...

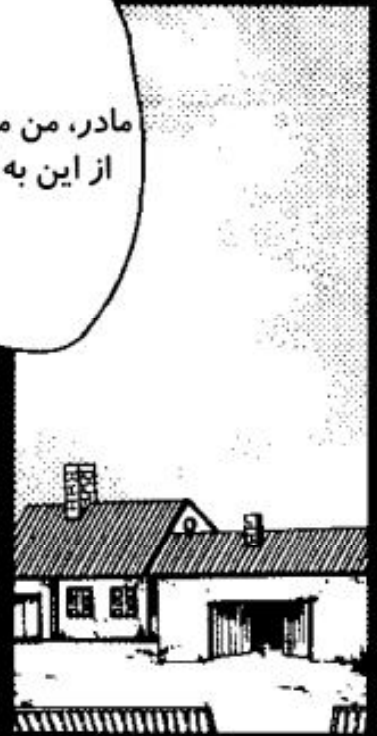
در واقع، ما در برابر
این کالا به جای
دو سکه، یک سکه
پرداخت می‌کنیم





مادر، من می‌خوام
از این به بعد...

...پولدار
بشَم!

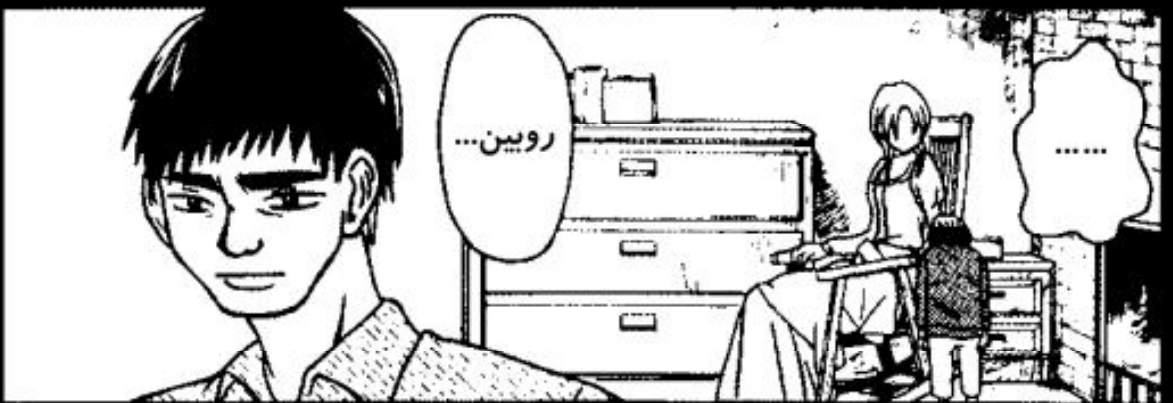


نمی‌خواهی
تولید کننده‌ی
پنیر باشی؟



این از کجا
به ذهنت
رسید؟







درسته،
اما مگه به خاطر
بی پولی
مریض نشده؟

نگران نباش
پول مهم نیست
بالاخره نجات
پیدا می‌کنه



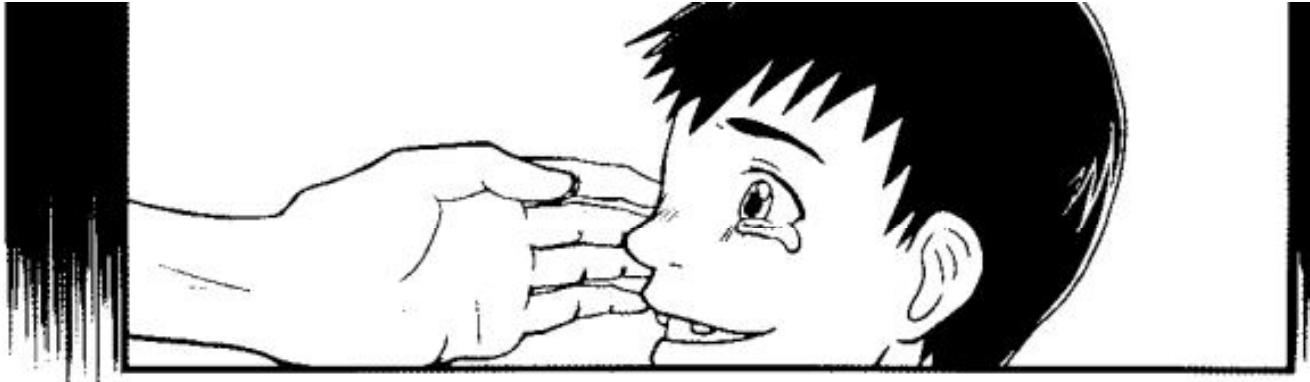
پس، تو هم
چیزیت نمی‌شه
ها؟!

به پول
ربطی نداره



خدا
حفظشون می‌کنه

روبین، مردم
با پول نجات
پیدا نمی‌کنن



به خاطر بی پولی
نتونستیم مادرم
رو نجات بدیم





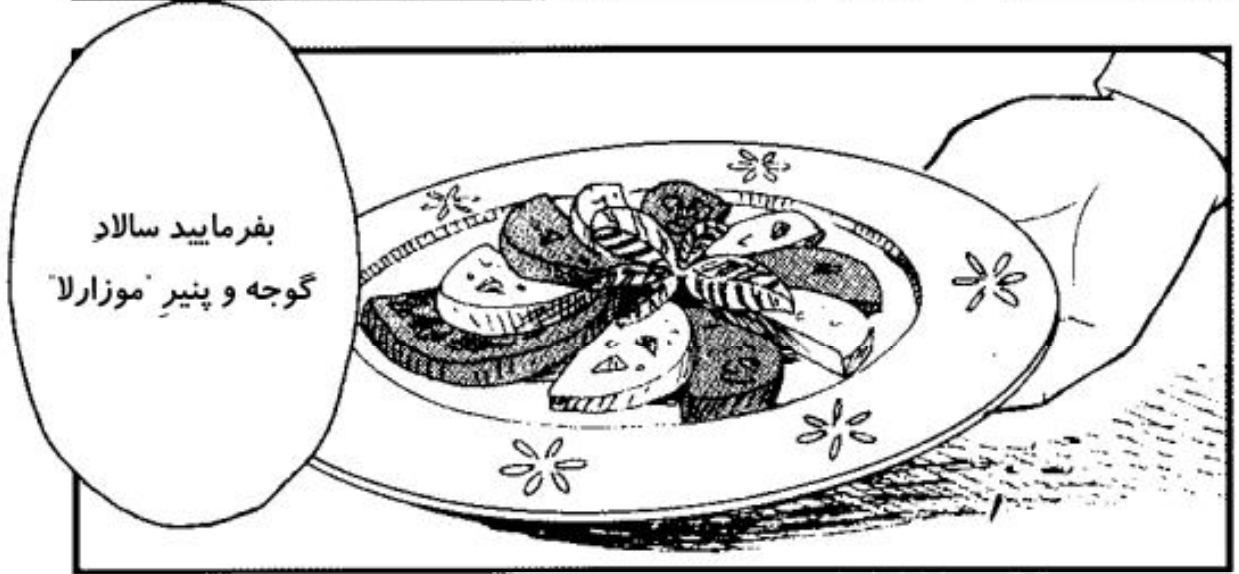


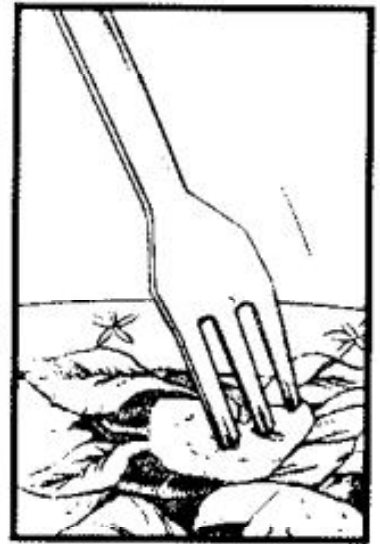
پدرم،
هلن،
هر کس...
کافیه که پول باشه

هم مادرم،
هم مادربزرگ
هلن











اما مزهش کمی
فرق کرده

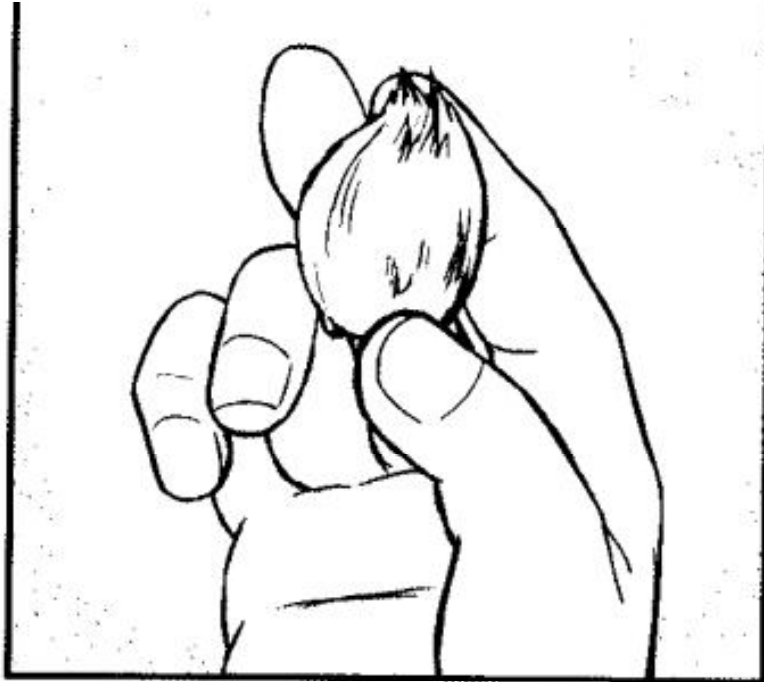


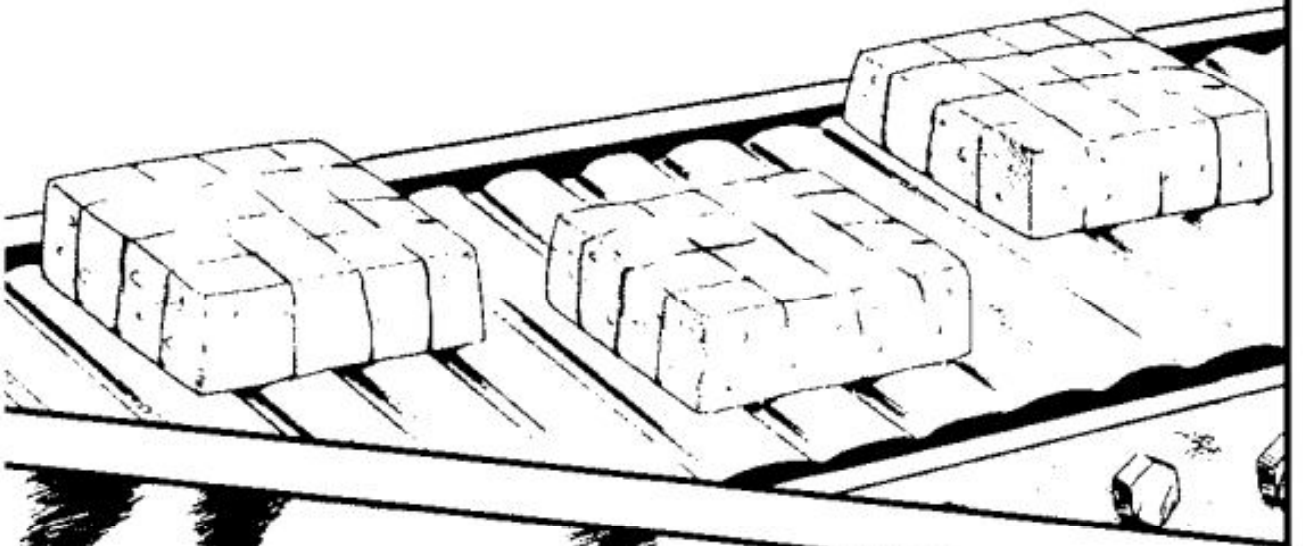
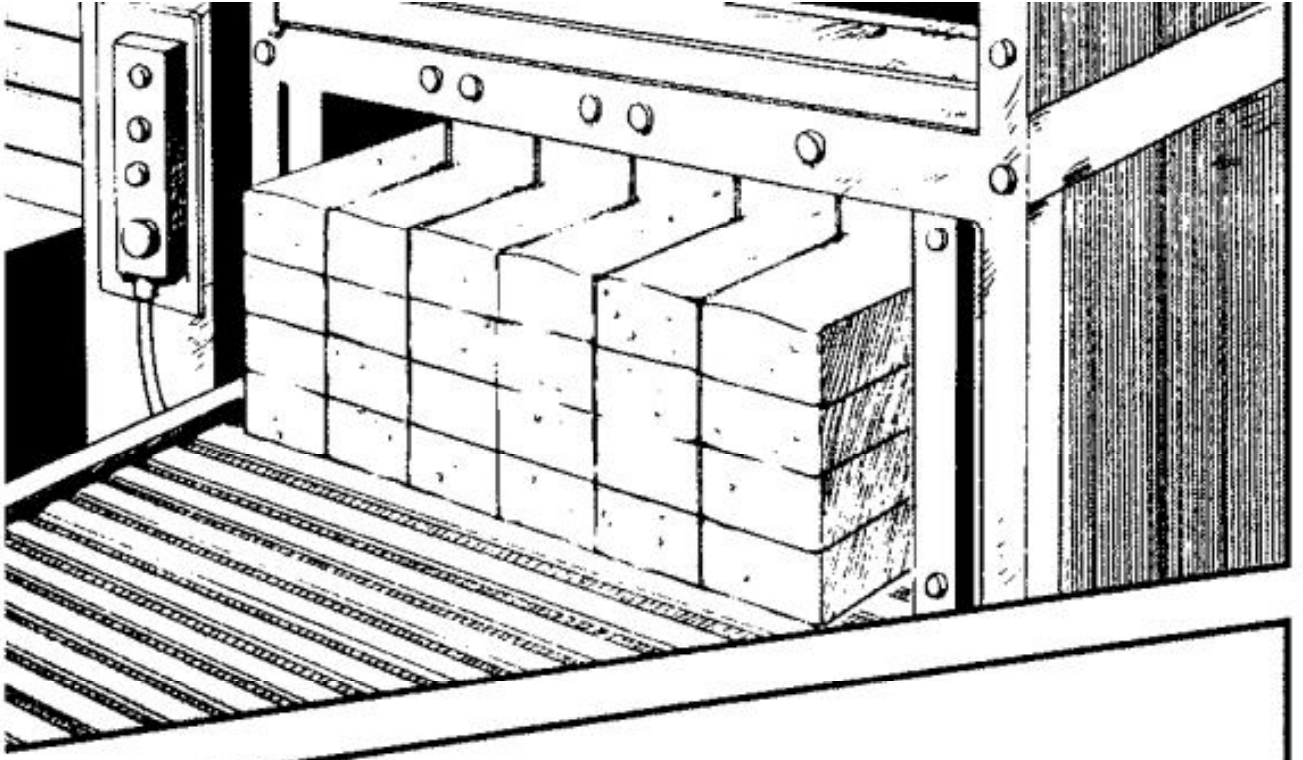
اوه...

؟



چی؟











خرید
"نیروی کار"

آره، باید این طور
باشه...
مغازه‌ی قبلی رو هم
برای پول درآوردن
تاسیس کرده بودم



حالا که این شانس
به من رو کرده
نباید به مسائل دیگه
اهمیت بدم

قدم به قدم
جلو می‌رم







پاداش...

کار هر کس
بهتر باشه،
پاداش می گیره

قراره
پاداش
بگیریم



اما...
کسی که کارش
بد باشه

جریمه می شه





کافیه که بازدهی
بالا بیره،
هزینه‌ی بالایی
نخواهد بود

این مسئله‌ی
پاداش، مشکلی
ایجاد نمی‌کنه؟



اما پاداش
فقط مال
یک نفره

از این به بعد
برای گرفتن
پاداش،
سریع‌تر کار می‌کنند



من هم به خاطر
این که شل
کار می‌کردم
خیلی از بابام
کتک می‌خوردم





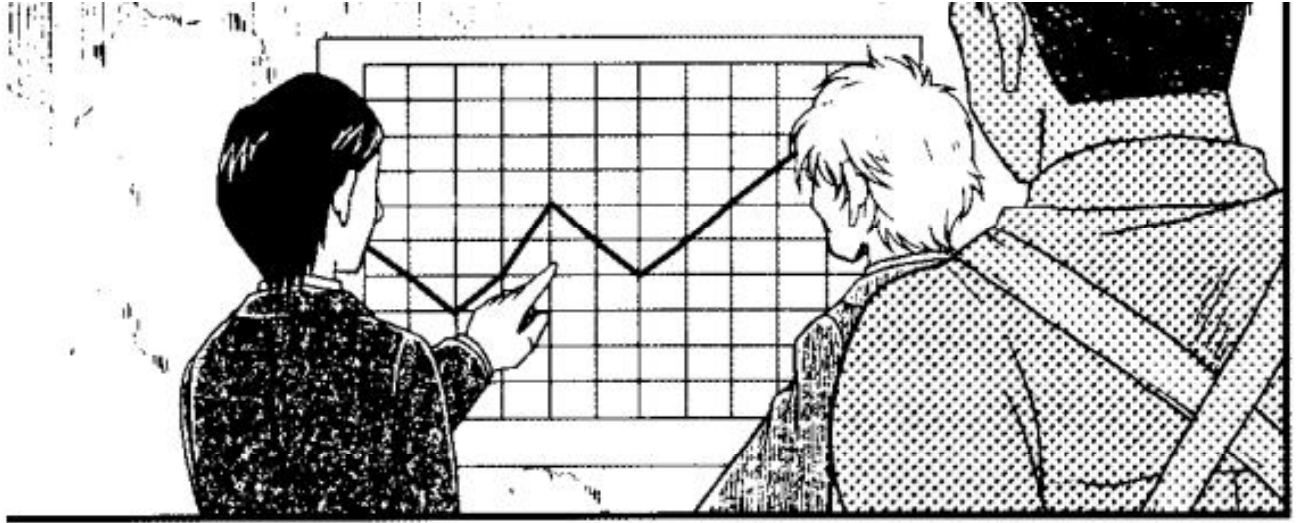
آهای یی
سریع تر
باشید!



معطل
نکنید

سریع تر!













بیدار شون
نکنی
ها!!

بچه ها هم بس که
کار می کنن،
جنازه شون
می رسه خونه

.....



حتما
گرسنه ای



پنیر کار خونه ای
خود تونه،
چون آرزونه،
اینجاها
خیلی طرفدار داره

بازم
نون و پنیر...

دیگه نمی خوام
پنیر بیینم

.....



باز هم
موضوع
همیشگی



حال و روز
ما رو
بین



همه‌ی خانواده‌ها
دارن
برای زندگی شون
می‌جنگن

یعنی ما مجبوریم
این شرایط رو
قبول کنیم!؟



به نظر تو
مسخره نیست؟



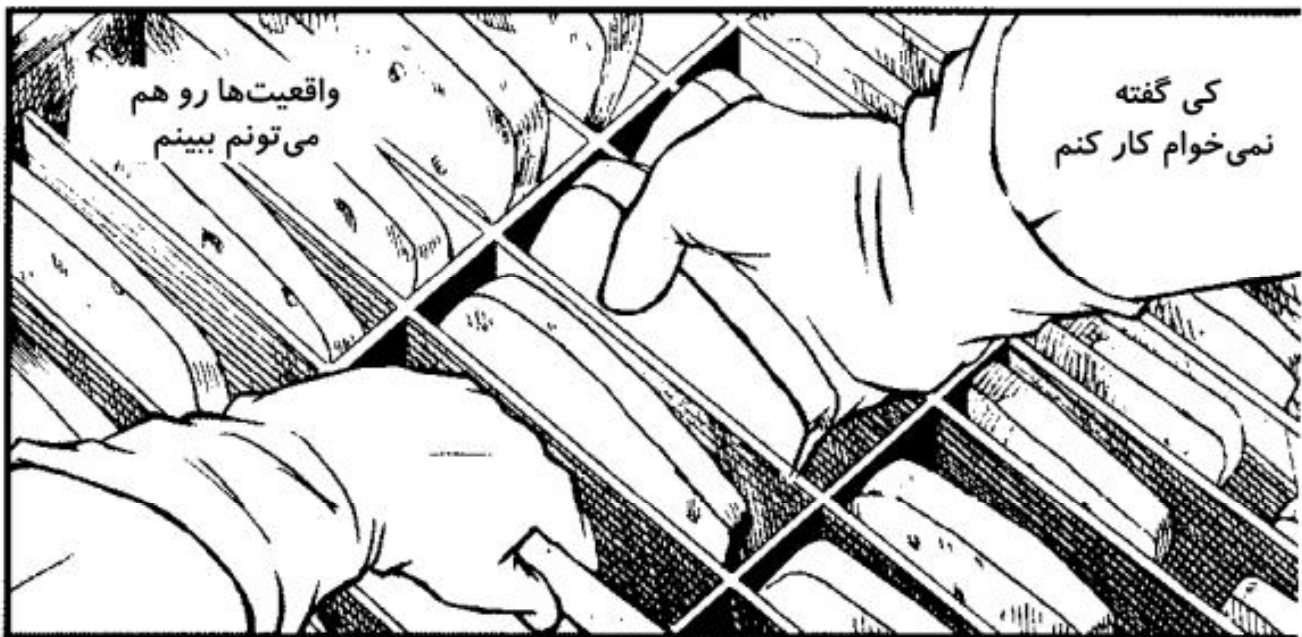
کمی هم
به واقعیت‌ها
شک کن

من وقتی برای
این کار ندارم،
تو خودت...





نه، نباید
این طور باشه



کی گفته
نمی خوام کار کنم

واقعیت ها رو هم
می تونم ببینم



دقیقا به
خاطر خوب دیدن
این واقعیت ها است
که...

...می فهمم بعضی
چیزها درست
نیست

اوهوا!

اوهوا!



خودت رو
جمع و جور کن!
کارت رو بکن

تف!...

آخ...!



مرتیکه‌ی آشغال،
میکروبی کیفیت
رو اینجا
پخش نکن

اوهوه...!
بیخشد
معذرت می‌خوام



اوهوه...!

.....

تف!

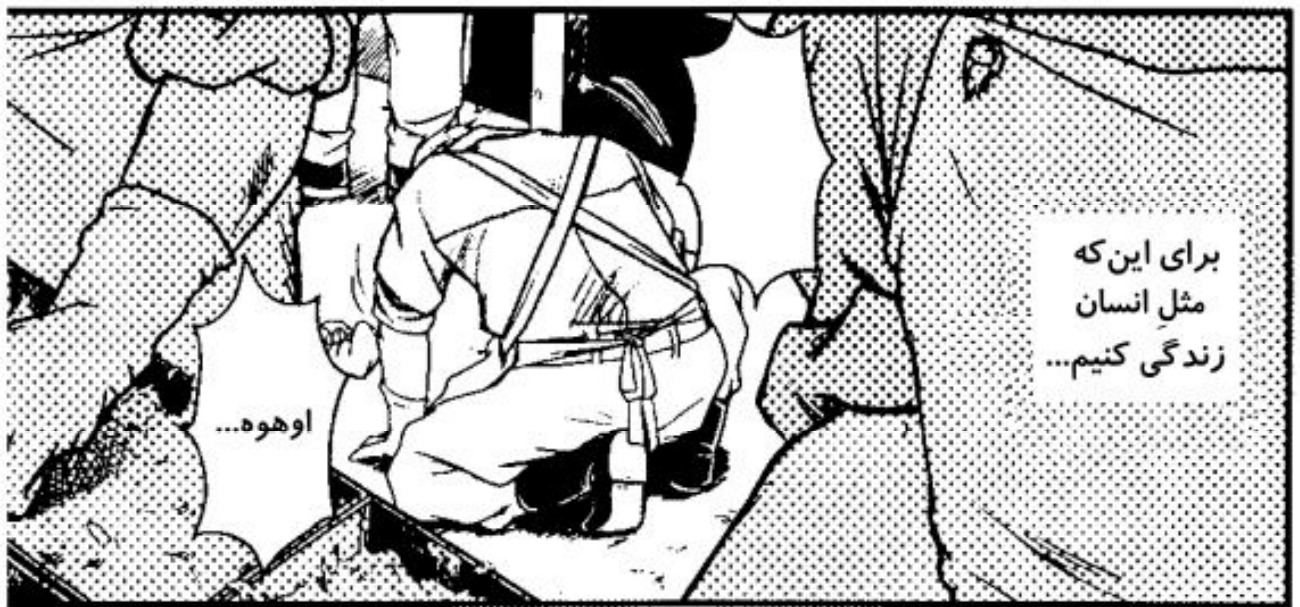


#!!

این حالت رو،
جا میاره

.....









برگرد
سر کارت



تو دیگه
چی می گی؟!

نکنه
شکایتی
داری؟

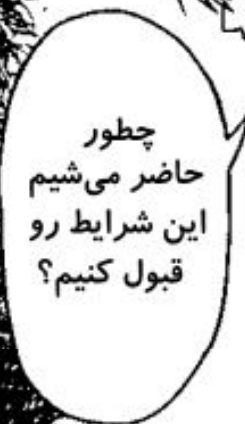


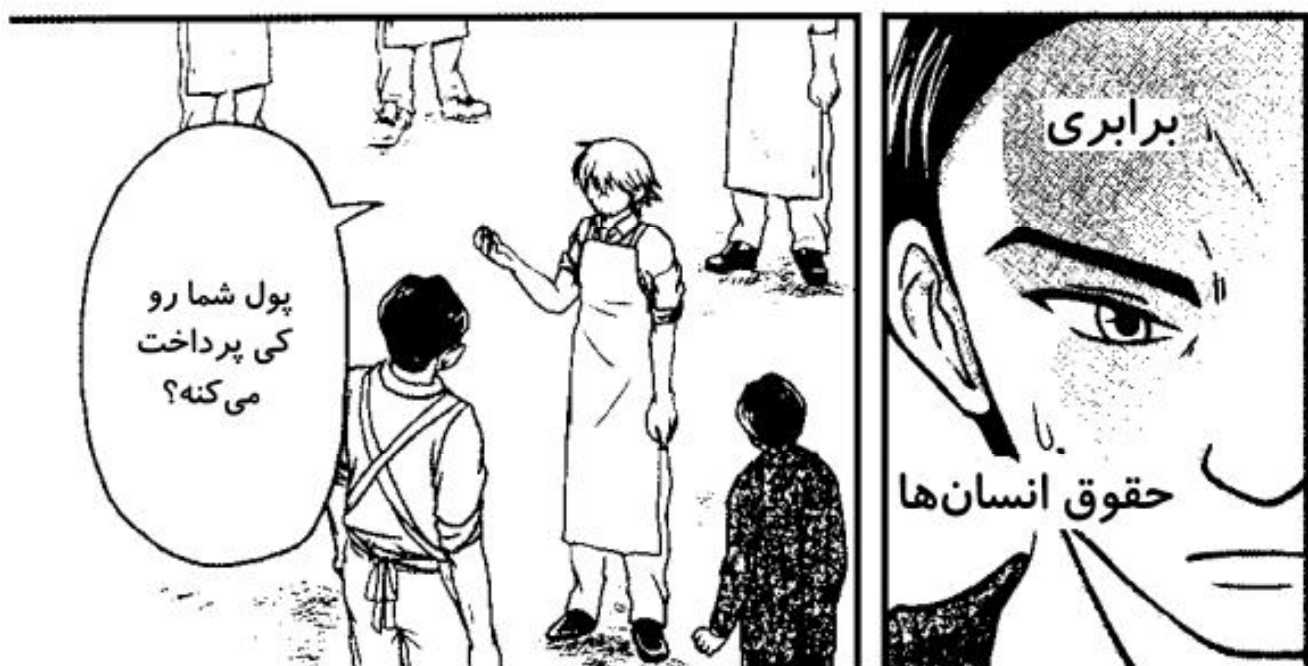
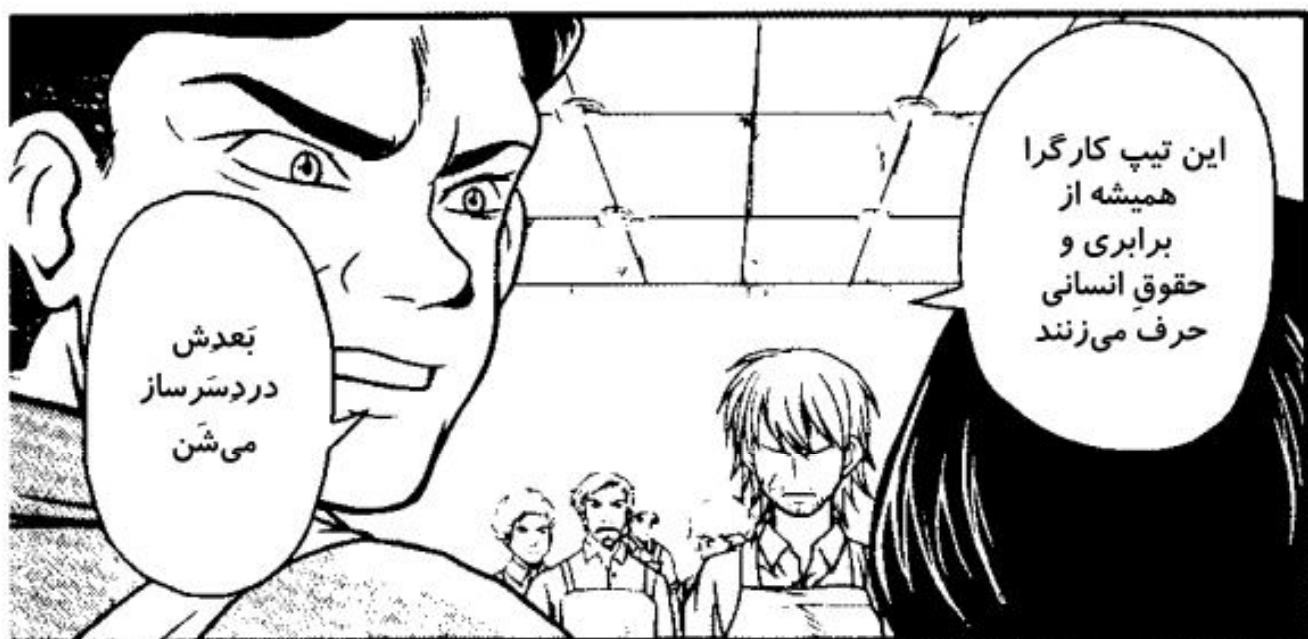
برده
نیستیم

ما

















درسته
من کار رو با پولم
می خرم

جلوتو
نگاه کن
مرتیکه!



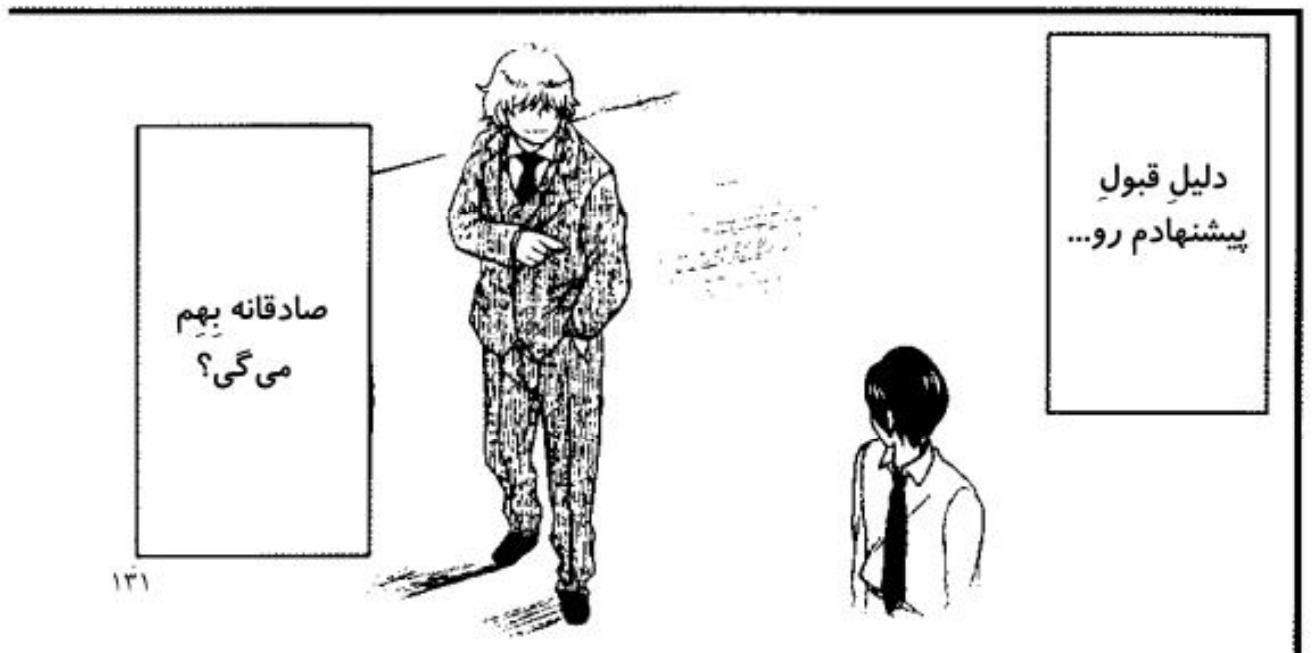
AH LOO

امشب
برنامهت
چیه؟

کار غلطی که
انجام نمی دم

نباید بهش
فکر کنم، من
تصمیم خودم رو
گرفتم

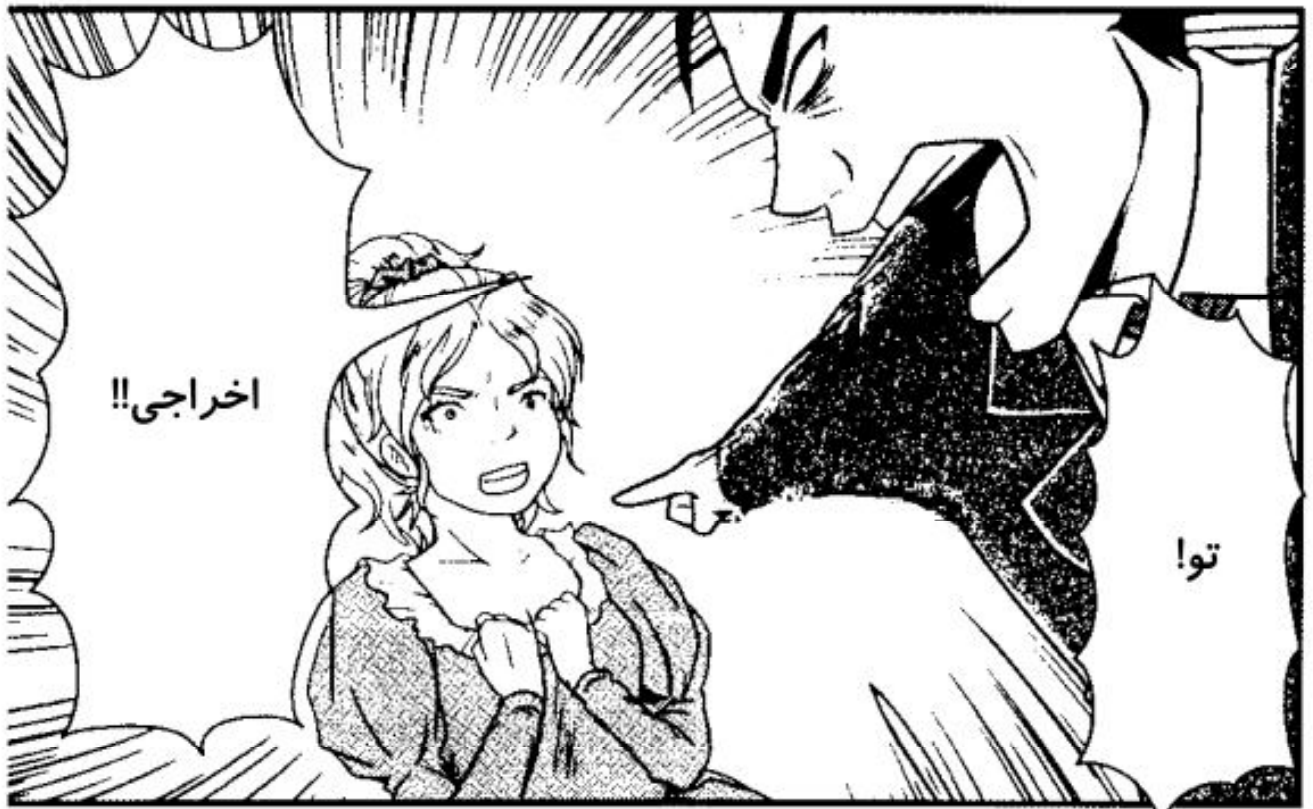
آقای
من!



دلیل قبول
پیشنهادم رو...

صادقانه بهم
می گی؟



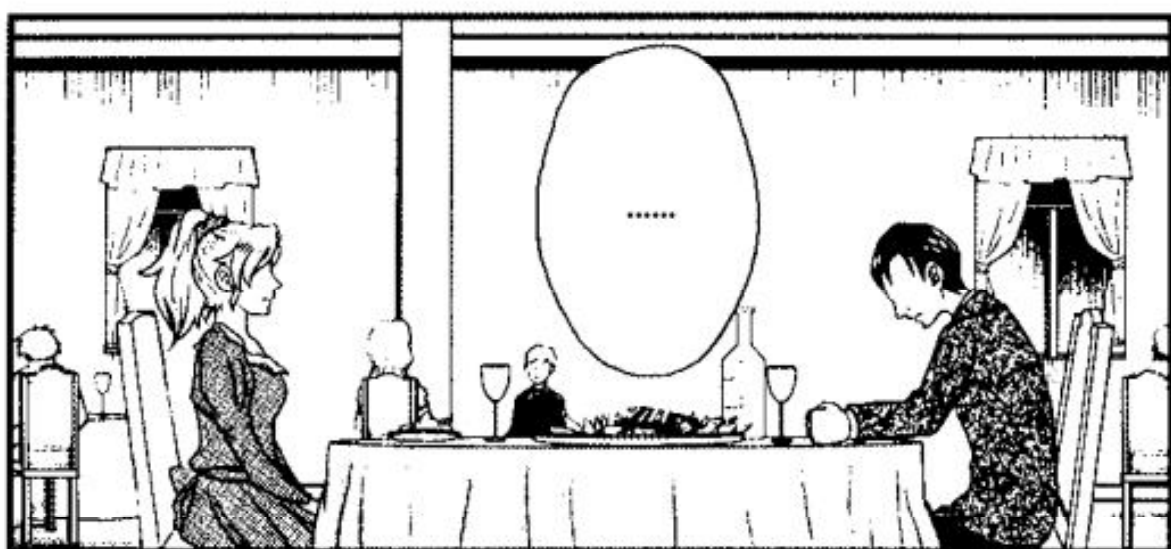




















توی شهر
بیشتر پول
درمی آرم

به جای
خدمت
به ارباب



مزرعه‌ی
ارباب...؟



اگه
این طوره...؟

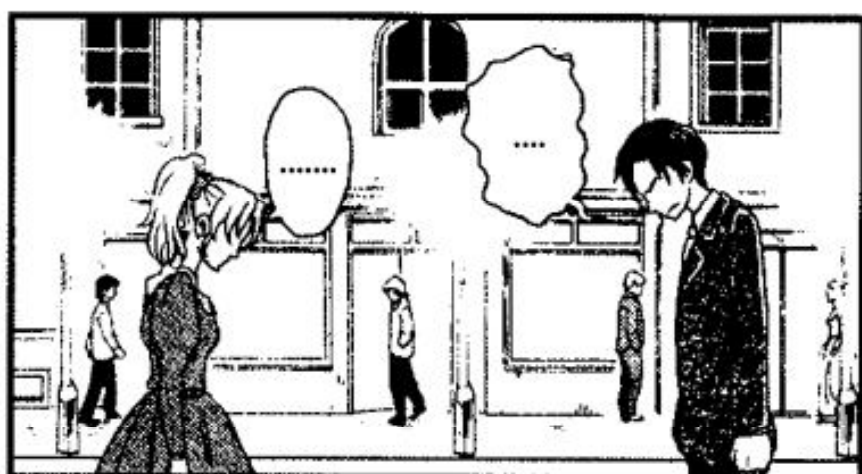
اگه پول
لازم داری
من...

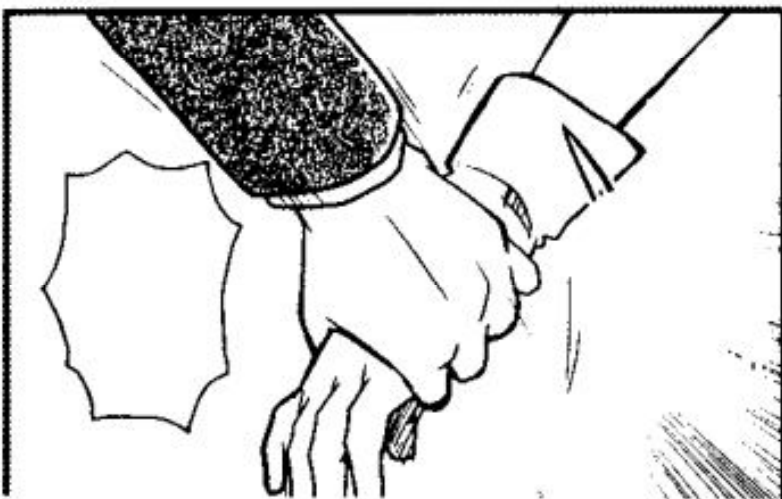
این روزها
مشتری انتخاب
نمی‌کنم

چه پول دار
باشه، چه
نباشه



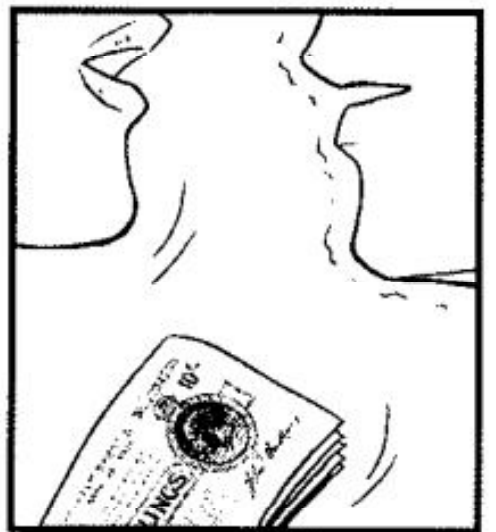
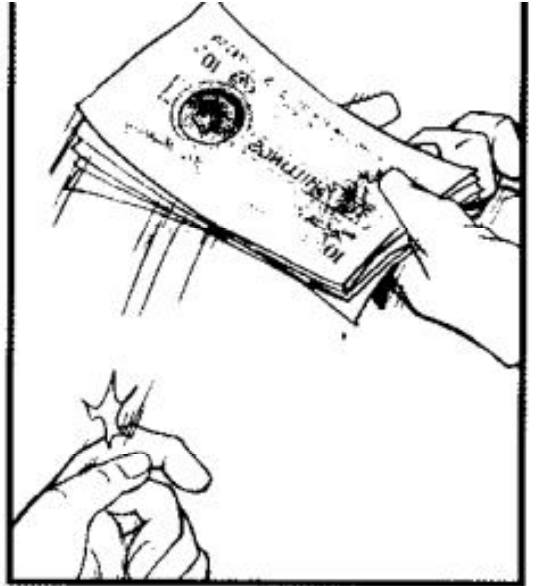
به نظر تو من "کالا"
شدم؟

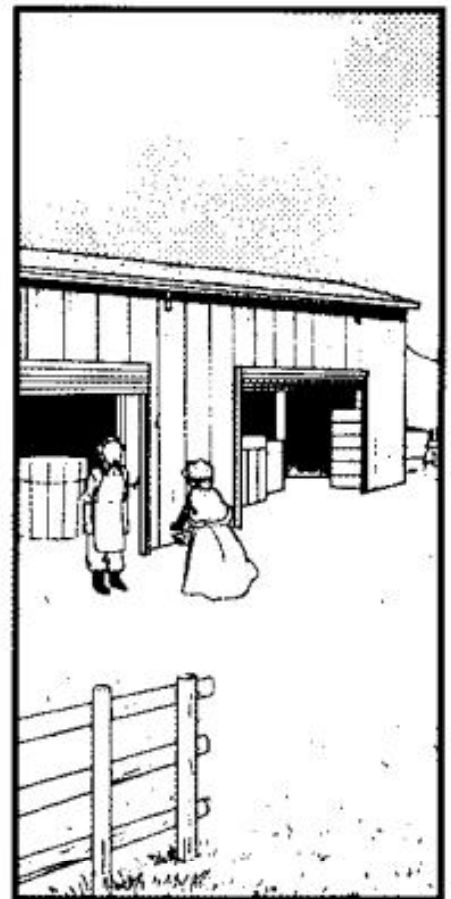
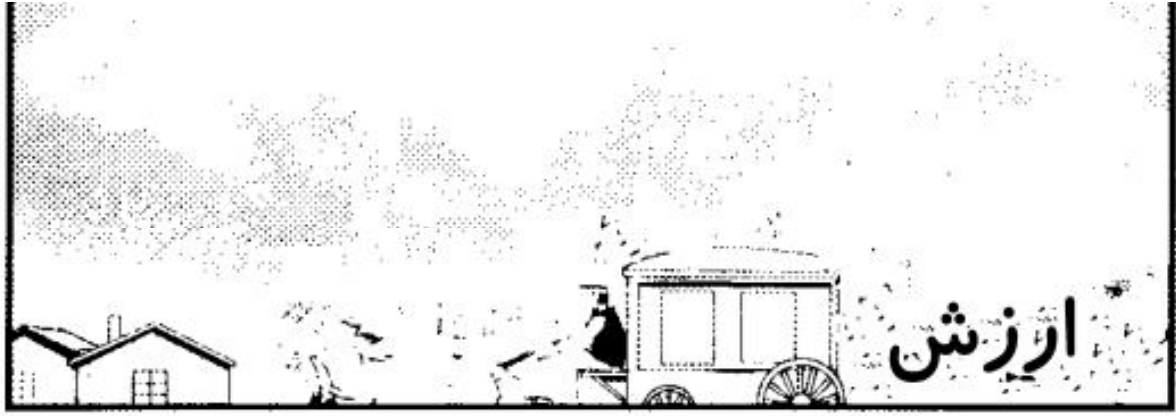


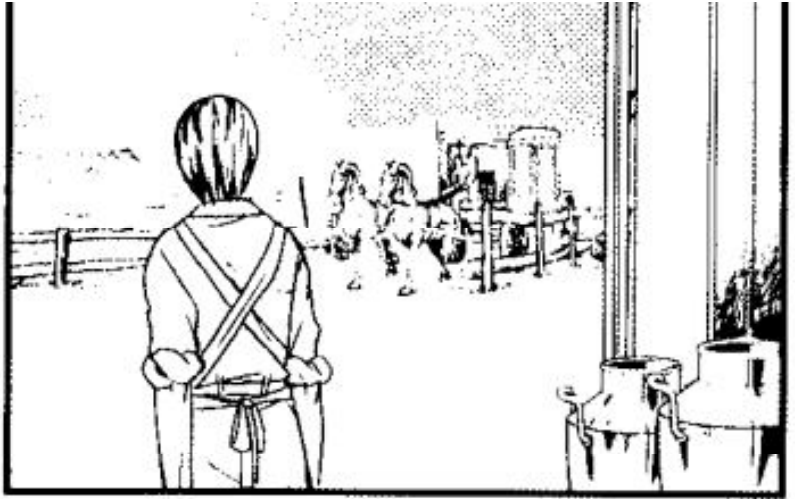










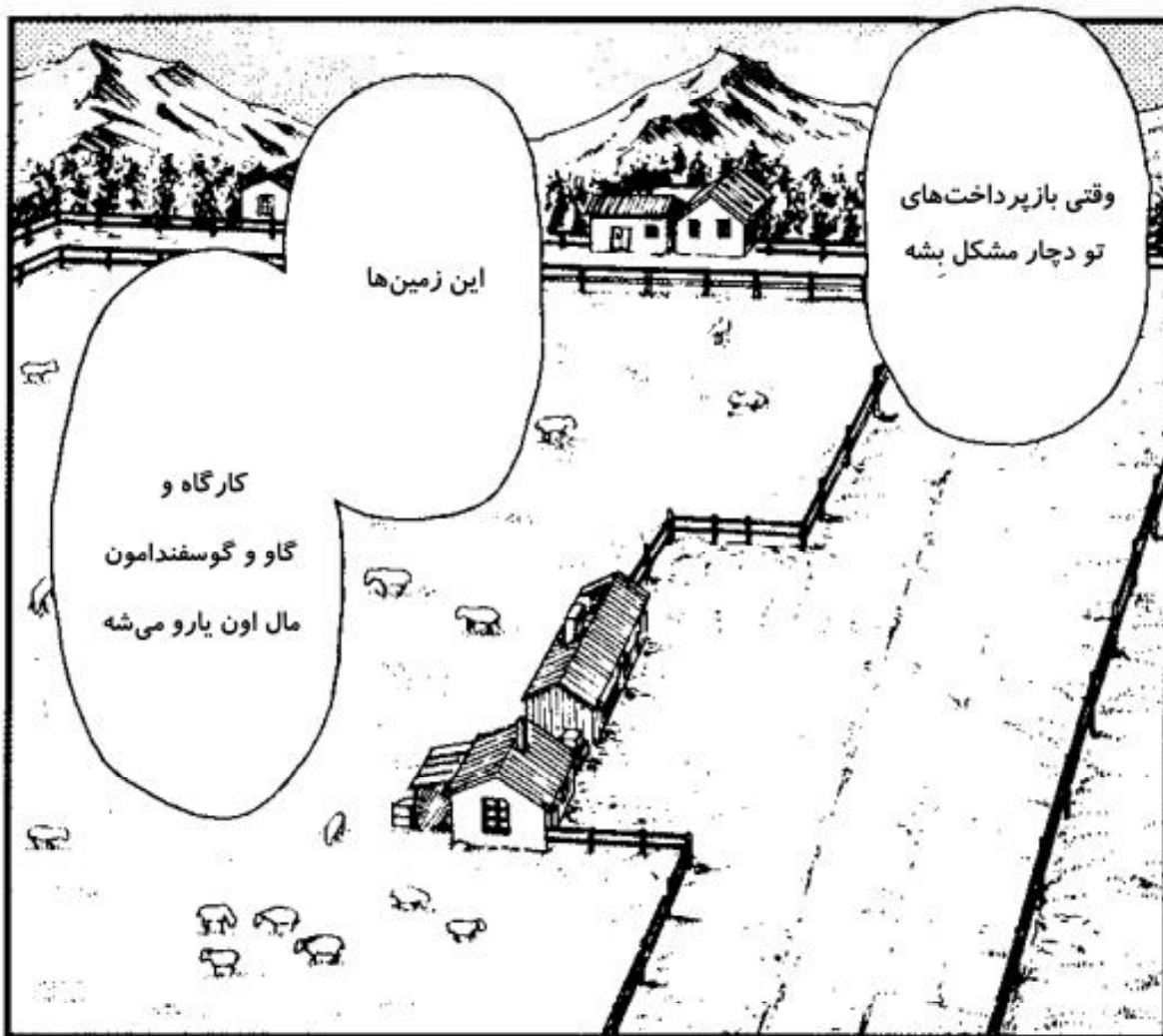






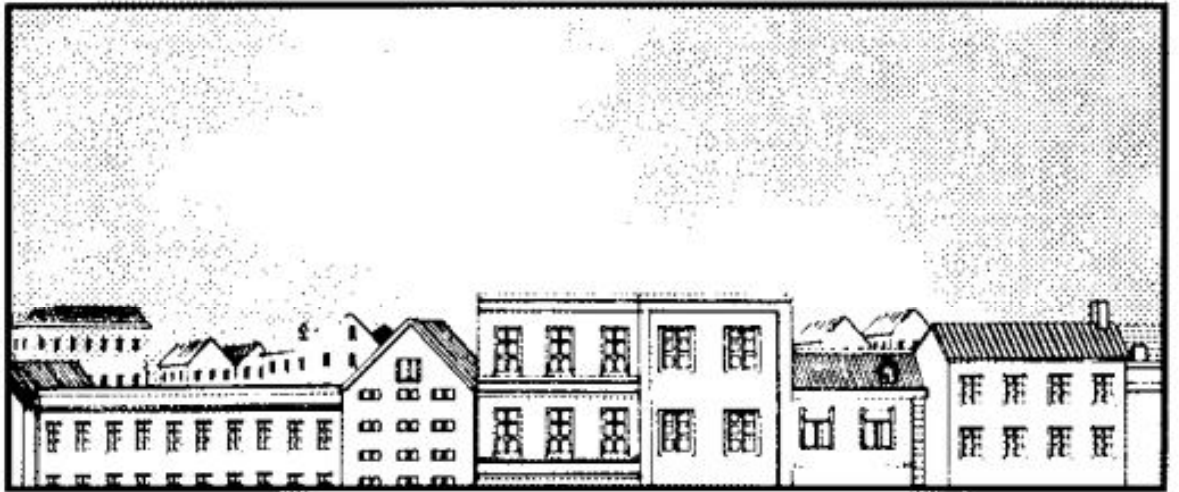


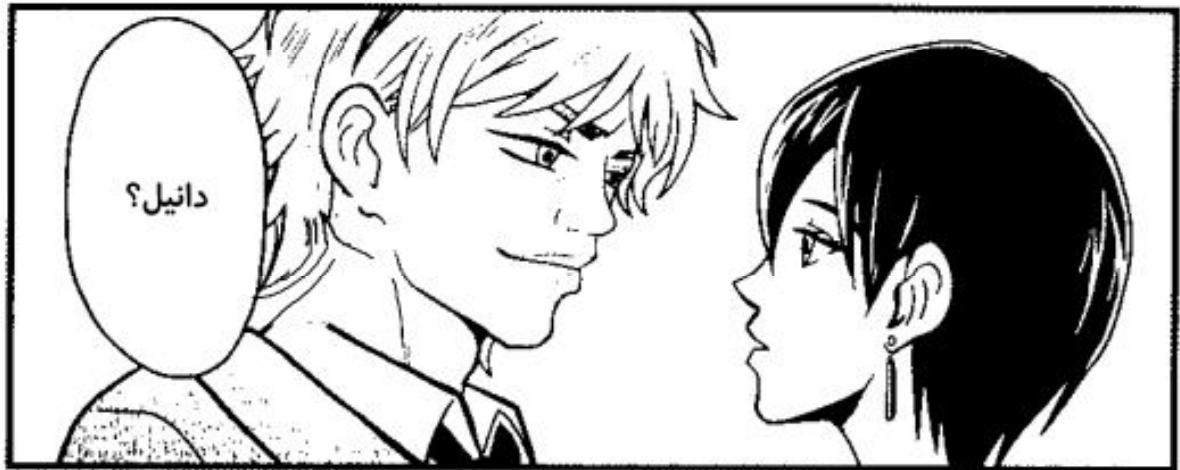
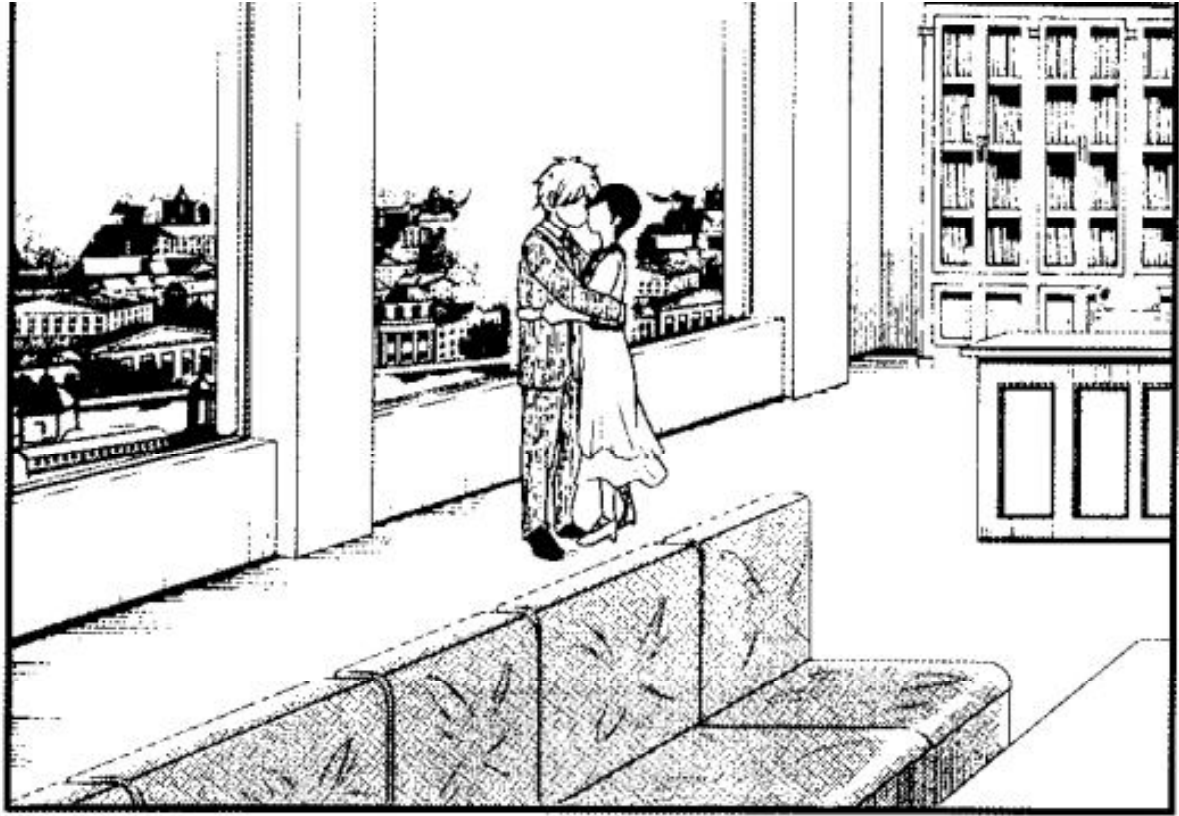








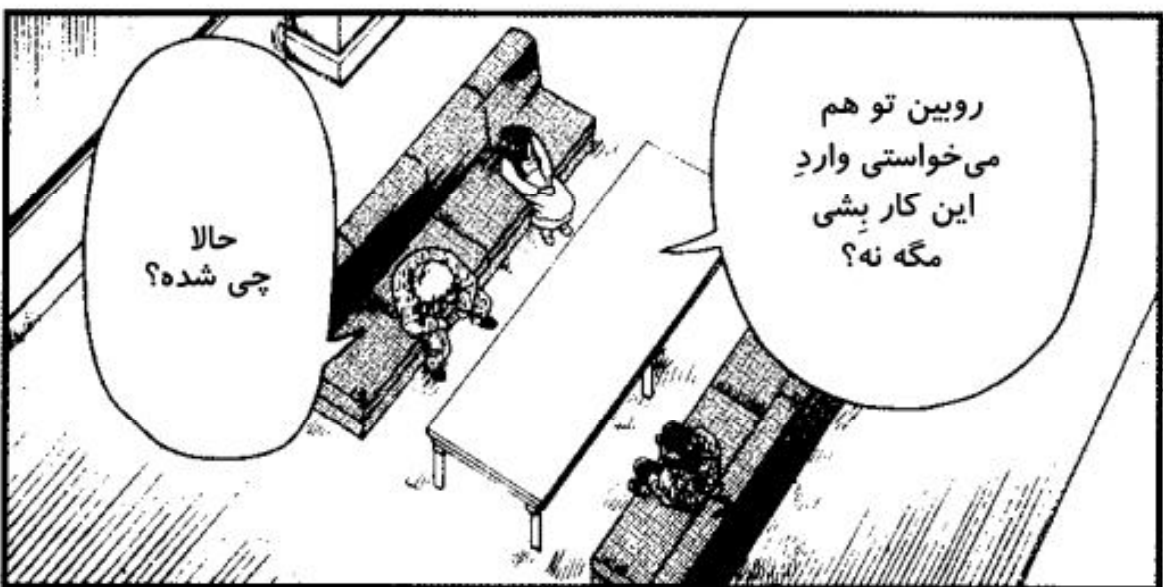












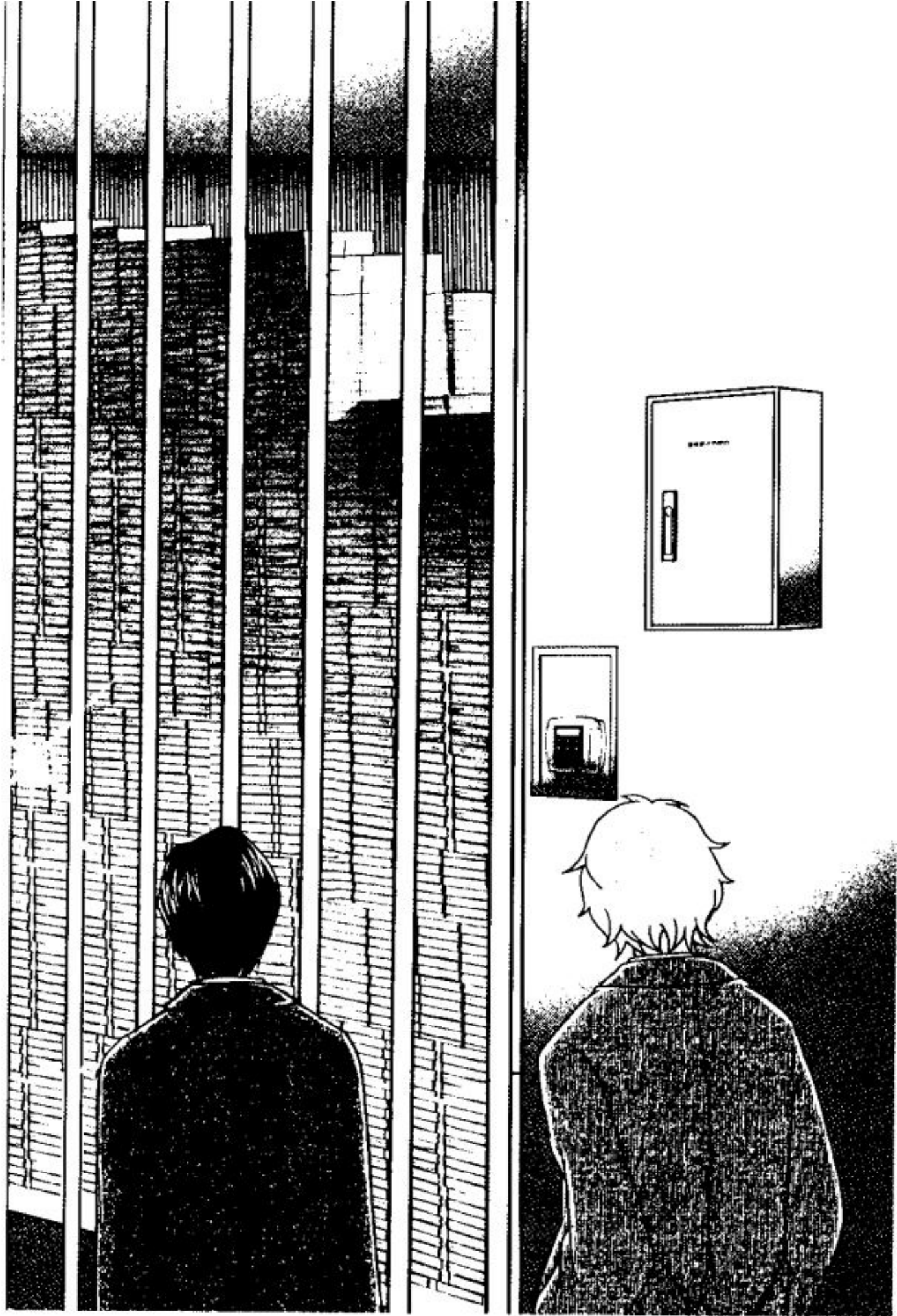


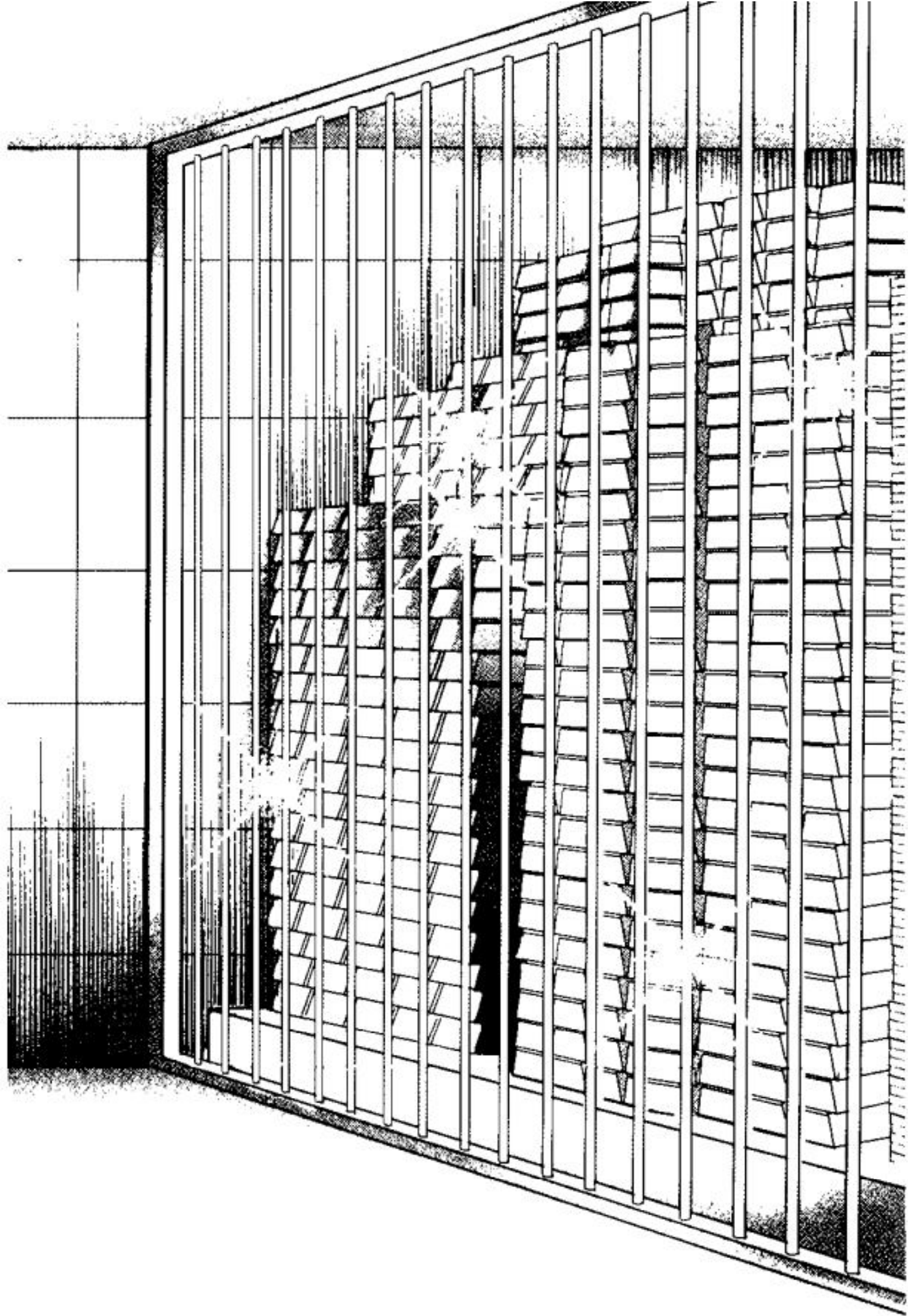




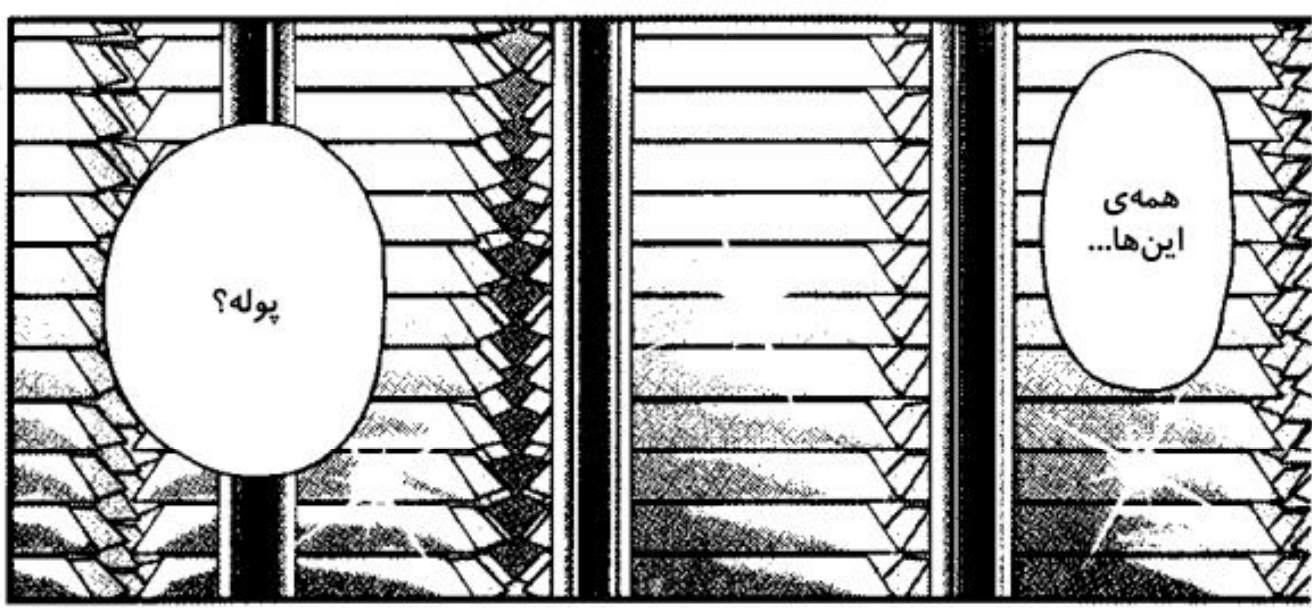




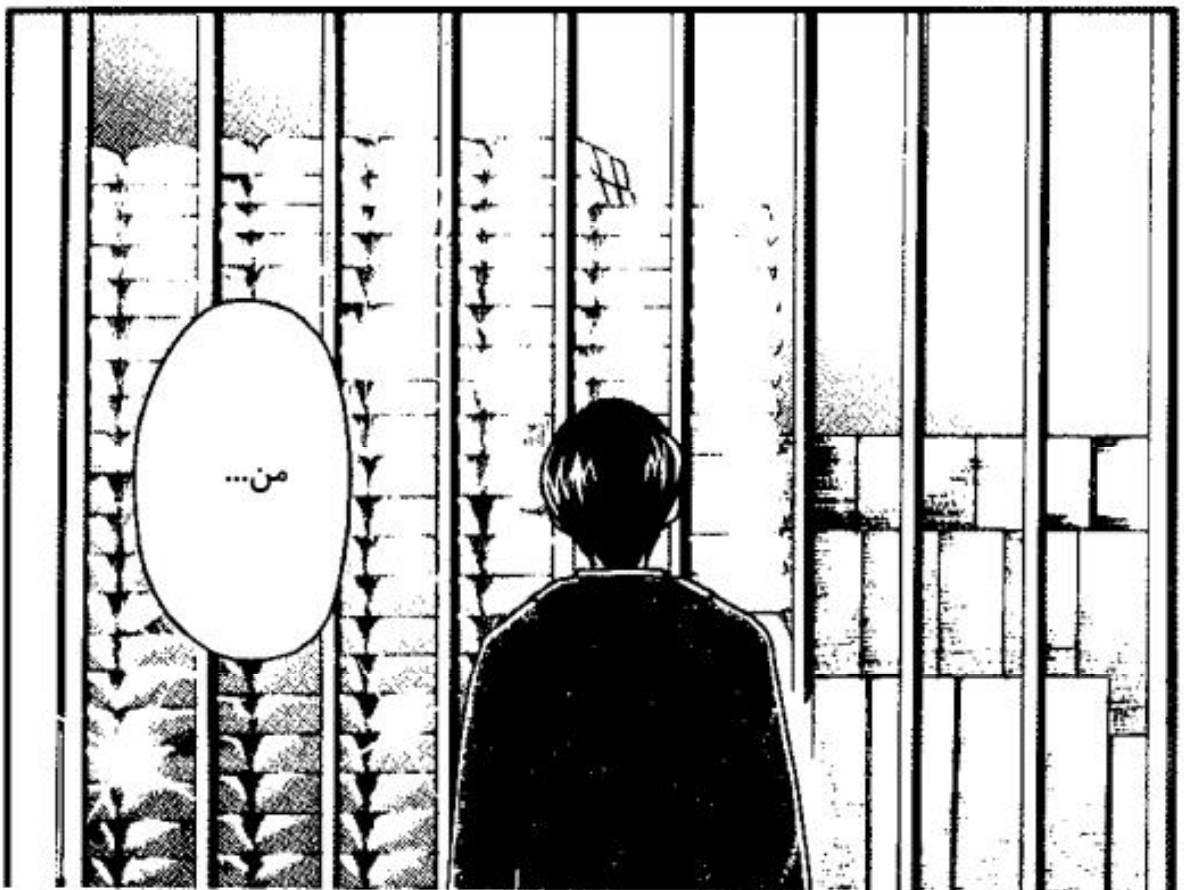




تغییر ماهیت پول از وسیله‌ای برای مبادله یا محصولات به تمیین کننده‌ی ارزش انسان‌ها و هر چیز دیگر.

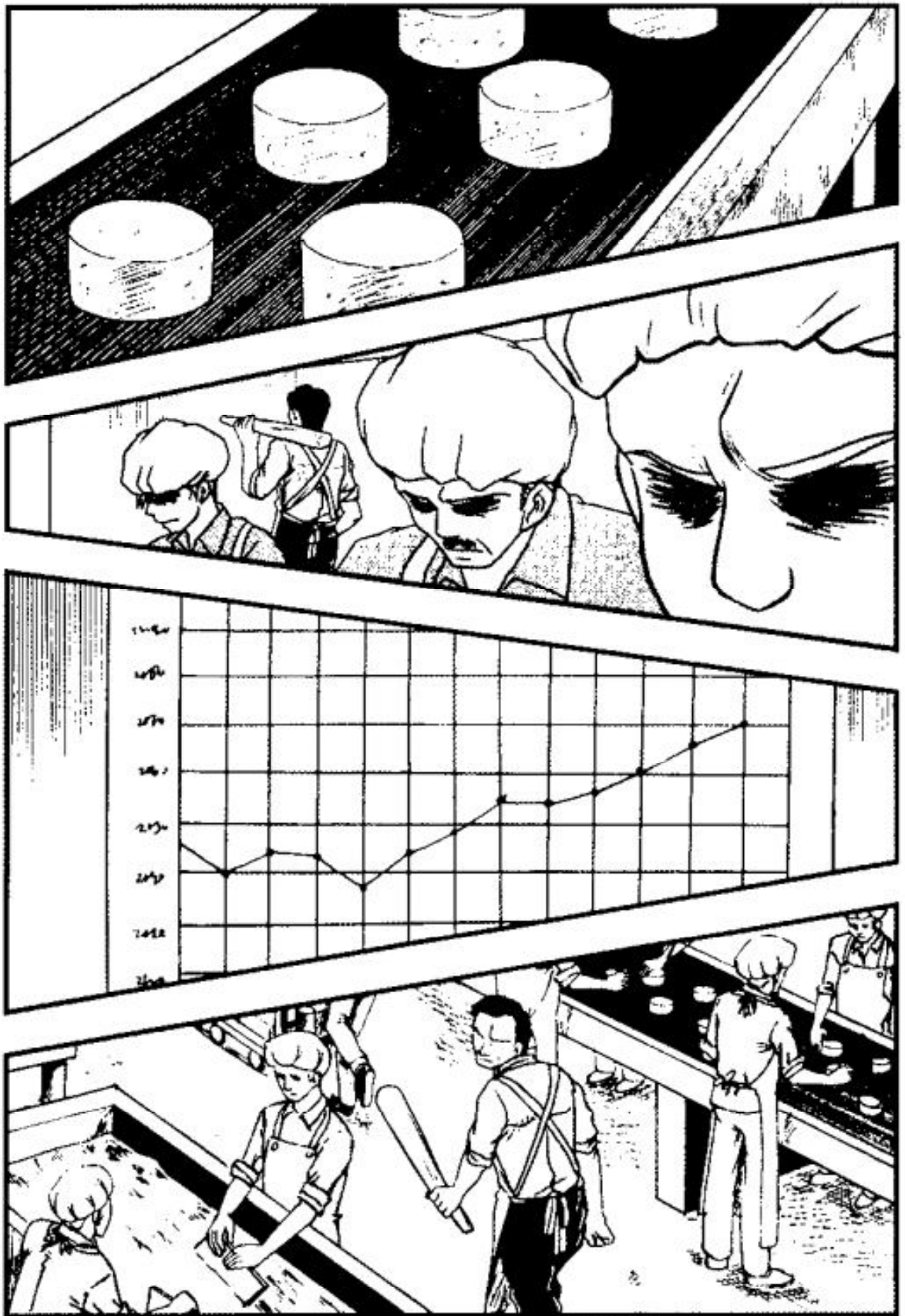


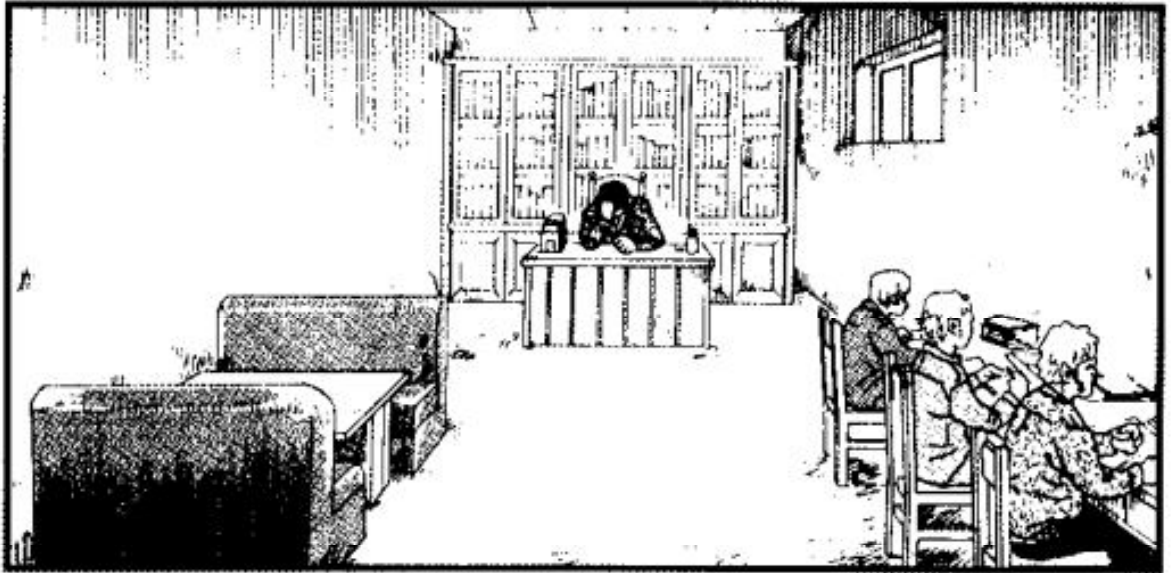




چرا؟...









درست و
حسابی کار
کن

مُعطیش نکن



مثلِ آدم
کار کنید



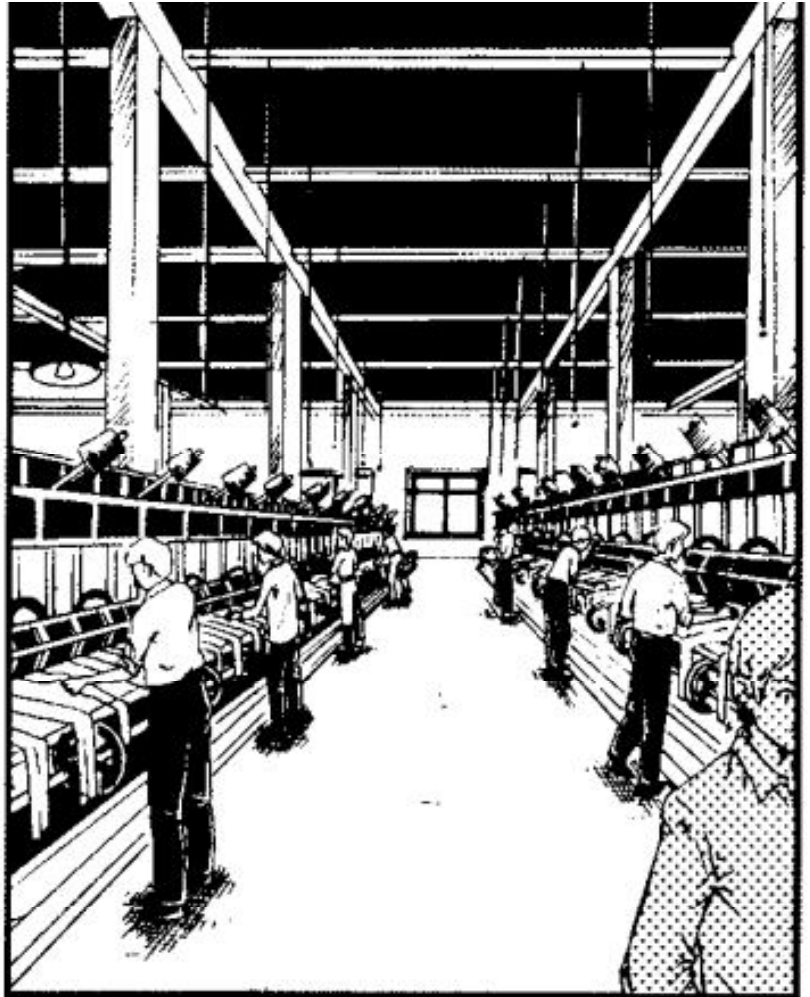
نمی‌تونم اجازه
بدم زمین
پدرم رو بگیره

هر اتفاقی
ممکنه بیفته

کاری که
حالا باید
بکنم



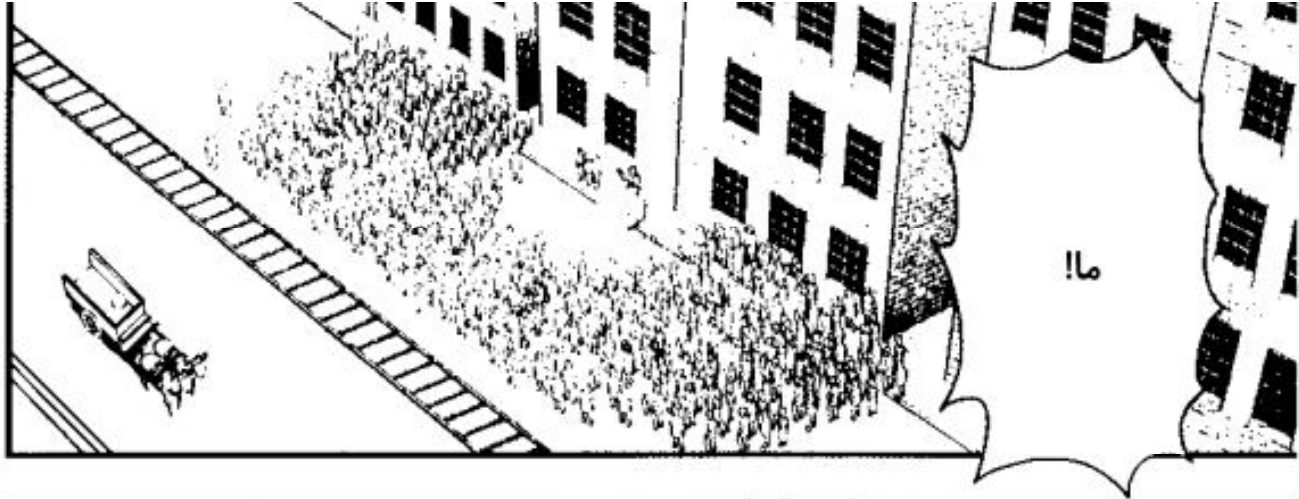








ما برده
نیستیم







زنش
توی شهر
تَنیش رو
می فروشه

و همون
شب



حتا بچه هاشون
مثل خر کار
می کنن



خانواده یعنی
همین؟



ما برده
نیستیم



وقتی بچه‌ش
داره کار می‌کنه
غذاش رو
می‌ذاره توی دهنش

زنی بچه‌اش را
که از خستگی
توان راه رفتن
نداره رو روی
دوشش به کارخانه
می‌آورد

بچه حتا اجازه
نداره برای غذا
محل کارش رو
ترک کنه



ما برای چی
کار می‌کنیم؟

چرا؟









تا زمانی که
ما می خریم و
پولش رو نمی پردازیم

ارزش کالایی
پیدا نمی کند



ما چیزی رو که
آنها صاحبش
هستند رو...

به ارزش
تبدیل می کنیم



زیر سایه‌ی تو
به ارزش تبدیل
شدم، مگه نه؟

در نهایت
من هم...



موفق باشی
شوالیه‌ی اسب
سوارِ من...

ها ها
...ها



متفرق
بشید!

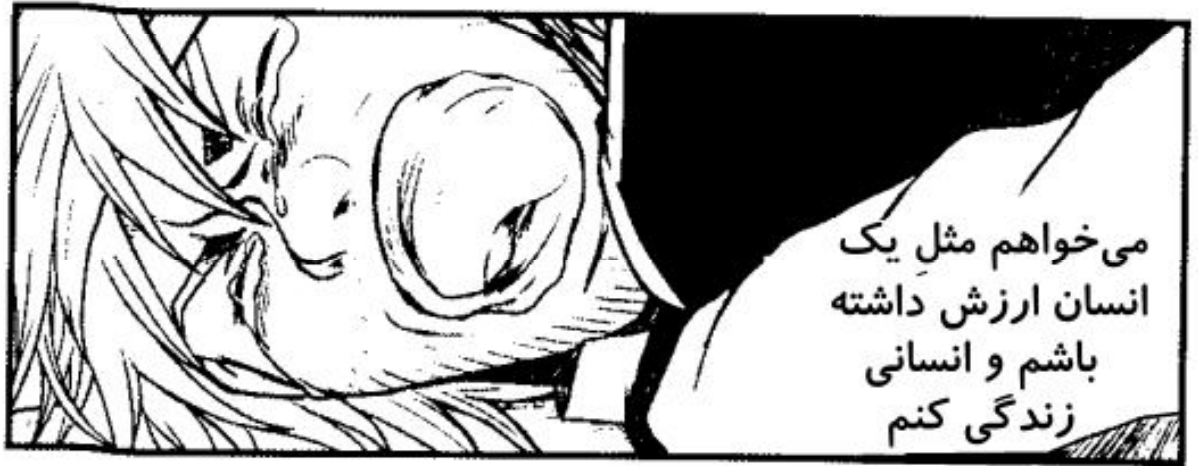
برگردید
سر
کاراتون



ارزش گذاری
نه



من کالا
نیستم، انسانم



می خواهم مثل یک
انسان ارزش داشته
باشم و انسانی
زندگی کنم





ما برده
نیستیم...

ما برده
نیستیم...

این کتابِ مُصَوِّر با توجه به مباحث کتابِ «سرمایه»، نوشته‌ی کارل مارکس تهیه شده است و مفاهیم اساسی آن در قالب داستانی از فرآیند تولید در کارخانه‌ی پنیرسازی توضیح داده می‌شود و به این صورت کتابِ «سرمایه» را که متنی ترسناک و سخت جلوه می‌کند را به شکلی ساده برای مخاطبین بیشتری قابل فهم می‌کند. «سرمایه»ی مارکس برای اولین بار در این کتاب به شکلِ مُصَوِّر توضیح داده شده است و در سال ۲۰۰۸ از سوی انتشارات East Press در ژاپن منتشر شده است. کتاب توانسته هم از لحاظ محتوا و داستان و هم از لحاظ نقاشی و طراحی‌اش توجه بسیاری را در سطح جهانی جلب کند و میزان فروش آن در مدت کوتاهی از صدهزار جلد فراتر رفت. «سرمایه»ی مُصَوِّر، مطالعه‌ای جذاب را به خواننده وعده می‌دهد. کتاب برای طیف وسیعی می‌تواند مفید و جذاب باشد؛ هم برای افرادی که ماه‌ها وقت صرفِ فصول کتابِ «سرمایه» کرده‌اند و هم برای افرادی که نتوانسته‌اند تا کنون آرزوی مطالعه‌ی «سرمایه» را متحقق کنند و هم برای جوانانی که خواهان آشنایی با مفاهیم اساسیِ «سرمایه» هستند و هم برای افرادی که به مطالعه‌ی رمان‌های مُصَوِّر علاقه دارند.

شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران